

انتر ناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۴۲

شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۲، ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳

سالگرد انقلاب و شروعی دیگر

شهلا دانشفر

سالگرد انقلاب فرارسید. دو ماه می‌شود که مردم از بخش‌های مختلف در داخل و در خارج از کشور خود را برای ۲۵ شهریور سالروز انقلاب و گرامیداشت یاد مهسا امینی این نماد انقلاب زن زندگی آزادی آماده می‌کنند. فراخوان‌های بسیاری داده شد، بیانیه و کیفرخواست‌های بسیار منتشر گردید، تشکل‌های مختلف از مدافعین حقوق و زن و دادخواهان و دانشجویان، از تشکل‌های مختلف کارگری و بازنشستگان و از ال جی پی تی‌ها و رنگین‌کمانی‌ها تا هنرمندان بیانیه دادند و گفتند دوباره به خیابان می‌آییم.

علی‌رغم فضای حکومت نظامی، تشدید سرکوبگری‌ها، دستگیری‌ها، احضارها، حکم دادن‌ها در شهرهای مختلف خصوصاً در کردستان و سیستان و بلوچستان و در قبال زنانی که با بر زمین‌زدن حجاب به آپارتاید جنسی نه گفتند، و فشارهای امنیتی بر معلمان و فعالین کارگری و دانشجویان و استادان دانشگاه و وکلایی که مدافع معترضین انقلاب بوده‌اند، مردم وسیعاً با تدارک گسترده گرامیداشت سالگرد انقلاب عزم راسخ خود را برای پایان دادن به بربریت حاکم اعلام داشتند. امروز نیز جلادان حاکم جنایتی دیگر آفریدند و جوانی به اسم حامد باقر اهل اسلام‌آباد غرب در گلشهر کرج با شلیک چهار گلوله توسط جنایت‌کاران جمهوری اسلامی به قتل رسید. او پس از دعوت مردم برای برپایی تجمع اعتراضی در یکی از خیابان‌های گلشهر کرج، مورد تعرض با نیروهای حکومتی قرار گرفت و با شلیک گلوله جان باخت. آدمکشان حاکم به روال معمولشان پیکر او را ربودند و به خانواده‌اش تحویل ندادند. یادش را با فریاد مرگ بر دیکتاتور گرامی بداریم.

روز گذشته مردم در زاهدان در صفی بزرگ به خیابان آمدند و با "شعارهای مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "کرد بلوچ آذری، آزادی برابری"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، آغازگر این سالگرد و این شروع جدید بودند. هنگام شب در محلات مختلف تهران همچون اکباتان، تهرانپارس، چیتگر، سعادت‌آباد، کاشانی، تهرانسر و جردن و در محلات مختلفی در شهرهای مهاباد، مریوان، سنندج، بانه، کرج، مشهد و پیرانشهر شعارهای سرنگونی سر داده شد. فریاد مرگ بر دیکتاتور در بسیاری شهرها طنین‌انداز شد. در جاهایی

ادامه در صفحه ۲

مثل مریوان و مهاباد سرودهای انقلابی از

سالگرد انقلاب و تشدید فشار جهانی بر حکومت

کاظم نیک‌خواه

صفحه ۵

دشمنان و کابوس خامنه‌ای

اصغر کریمی

صفحه ۶

تعرض حکومت به دانشگاه‌ها محکوم به شکست است

میلاد رباعی

صفحه ۷

حزب و رهبری انقلاب

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید

صفحه ۸

میریم تا سرنگونی

کاظم نیک‌خواه

صفحه ۱۲

سفر خامنه‌ای به سیستان و بلوچستان

نمایشی از وحشت

مهران محبی

صفحه ۱۳

۲۵ شهریور روز باز ایستادن همه چرخ‌ها

و تسخیر همه خیابان‌ها!

متن کتبی پیام ویدئویی حمید تقوایی

به مناسبت سالروز انقلاب

صفحه ۱۵

پیام به مردم قهرمان زاهدان!

متن کتبی پیام ویدئویی حمید تقوایی

صفحه ۱۵

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۶



سالگرد انقلاب و شروعی دیگر
از صفحه نخست

بلندگوها پخش شد و جوانان به خیابان آمدند و با روشن کردن آتش و مردم با روشن کردن چراغ‌های ماشین‌ها و بوق ممتد و مسدود کردن جاده به استقبال سالگرد انقلاب رفتند و فریاد قسم به خود

یاران ایستاده‌ایم تا پایان همه‌جا بلند شد.

اخبار امروز ۲۵ شهریور سالروز انقلاب

با چنین شروع پرشوری وارد ۲۵ شهریور سالروز انقلاب شدیم. در تبریز تعدادی از جوانان با زدن کوکتل پایگاه بسیج مسجد قائم آل محمد را آتش زدند. یک بخش دیگر از تدارک انقلاب شعارنویسی‌های فراوان بر درودیوار و پخش انبوه فراخوان‌های سالگرد انقلاب در تمام شهرها و در مدیای اجتماعی، پرفورمنس‌ها و اکت‌های هنری به این مناسبت بوده است. مردم در گوشه‌وکنار کشور به استقبال گرامیداشت سالگرد انقلاب و یاد مهسا امینی رفتند.

حکومت اسلامی در هراس از به خیابان آمدن مردم محلات مختلف تهران و شهرهای مختلف کردستان و سیستان و بلوچستان و دیگر شهرها را به شدت امنیتی کرده و نیروی سرکوب بسیاری مستقر کرده و حالت حکومت‌نظامی برقرار کرده است.

در کردستان طبق فراخوان قبلی احزاب اپوزیسیون و فراخوان‌های بخش‌های مختلف مردم، یک اعتصاب عمومی سراسری در شهرهای مختلف آن به اجرا گذاشته شد. امروز سقز، سنندج، مریوان، کامیاران، دیواندره، پیرانشهر، بوکان، اشنویه، بانه، پاره، دهگلان، مهاباد، روانسر در اعتصاب عمومی بودند و همه مغازه‌ها و محل‌های کار تعطیل بود. اعتصاب از این شهرها نیز فراتر رفته و در کرمانشاه، رودهن، ایلام، میاندوآب، ارومیه و نارمک تهران هم کسبه و مغازه‌داران به اعتصاب عمومی پیوستند. باید کار و چرخ‌های تولید در همه‌جا متوقف شود و خیابان‌ها را به تسخیر خود در آوریم و از همین امروز به سوی اعتصابات و تجمعات سراسری خیز برداریم.

مرگان افتخاری، مادر مهسا زینا امینی با اشاره به سالگرد قتل حکومتی دخترش در اینستاگرام نوشت: "یک سال از آسمانی شدن زینای کردستان و فرشته ایران گذشت، سالی که هر لحظه‌اش سرشار از حزن و اندوه بود." او از همه کسانی که در این یک سال به هر شکلی با آنان همدردی کرده‌اند، تشکر کرد. سقز شهر زینا، حالت انفجاری دارد. اعتصاب عمومی برقرار است. امروز نیروهای سرکوبگر حکومت امجد امینی، پدر مهسا را که اعلام کرده بود مراسم را برگزار می‌کنند، به محض خروج از منزل بازداشت کردند و او پس از بازجویی و تهدید درباره عدم برگزاری مراسم سالگرد به منزل خود بازگردانده شد. هم اکنون خانواده زینا (مهسا) امینی در حبس خانگی هستند و منزل آنها توسط سرکوبگران حکومت در محاصره است. حکومت که تجربه برگزاری تاریخی چهلمین روز قتل مهسا امینی توسط مردم را دارد و خود را با حرکت کل جامعه برای آمدن دوباره به خیابان‌ها روبرو می‌بیند، وحشت‌زده شهر سقز را با نیروی سرکوبش احاطه کرده و با تشبثات رسوایی نظیر رهاکردن آب سد سقز در مسیر مزار زینا امینی و اعلام اینکه تونل مسیر بانه به سقز در دست تعمیر است تلاش

می‌کند جلوی برپایی مراسم در آرامستان آییجی را بگیرد. بنا بر خبرها مسیرهای منتهی به آرامستان آییجی توسط نیروهای نظامی و با نوارهای زرد و گذاشتن سنگ‌های مانع، کاملاً مسدود شده‌اند. تردد به‌طور کلی قطع شده است. مسیرهای خروجی به شهر بانه بسته شده‌اند و هلیکوپترهای سیاه پاسداران با ارتفاع کم بر فراز آسمان شهر به‌ویژه در محدوده آرامستان آییجی در حال پروازند و در تلاش ایجاد فضای رعب هستند.

قبلاً اصناف و مردم سقز به مردم ایران و مردم در شهرهای کردستان فراخوان به راهپیمایی تا آرامستان آییجی و تجمع در مزار مهسا امینی را داده بودند. شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی هم همین فراخوان را داده است. فشار سنگینی به خانواده مهسا امینی وارد کردند که به مردم اعلام کنند که برای مراسم مهسا بر سر مزار او حاضر نشوند.

بنا بر خبرها در مشهد امروز شماری قابل‌توجهی از جوانان و مردم در بلوار وکیل‌آباد به خیابان آمدند. در این شهر در شب گذشته مردم شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. حکومت اسلامی نیز در هراس از گردآمدن مردم، حکومت مسیرهای منتهی به مزار مجیدرضا رهنورد، جوان معترضی که به دست حکومت اعدام شد را مسدود کرده است.

طبق گزارشات در اصفهان جوانان و مردم اصفهان به سمت دروازه شیراز برای تجمعات اعتراضی سالگرد قتل حکومتی مهسا زینا امینی و سالگرد شروع انقلاب زن زندگی آزادی حرکت کرده‌اند و در تهران نیز در میدان انقلاب مردم در حال حرکت برای برپایی تجمعاتشان هستند. در کلیپی منتشر شده در مدیای اجتماعی زنان شجاعی را می‌بینیم که در اتوبوس‌های پی‌آرتی تهران در مسیر انقلاب به آزادی شعار می‌دهند: "مرگ بر خامنه‌ای"، "توپ تانک فشفشه آخوند باید گم بشه". در مریوان هم تعدادی از جوانان به خیابان آمده و با روشن کردن آتش مردم را به آمدن به خیابان دعوت می‌کنند.

هنوز نیمه‌روز است که این گزارش تهیه شده. گزارشات از شهرهای مختلف و ادامه اعتراضات در سالگرد انقلاب بسیار است و هر لحظه گزارشات تازه‌ای می‌رسد. اما تا همین‌جا جنب‌وجوش و تحرکات و فضای اعتراضی جامعه، این واقعیت را نشان می‌دهد که موج قدرتمندتری از انقلاب در حرکت است و استارت آن در این سالگرد زده شده. مردم مصمم‌اند که خود را از شر حکومت اسلامی خلاص کنند.

بیانیه‌های سالگرد انقلاب

در بیش از یک ماه تدارک سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی بیانیه‌های بسیاری داده شده است. اخیرترین آن بیانیه جمعی از فعالین جنبش نوین رهایی زن و دیگر جنبش‌های اعتراضی است که بار دیگر مضمون انقلاب زن زندگی آزادی را جلوی چشم همه می‌گذارد. این بیانیه با ۲۳ امضا منتشر شده است و در بخشی از آن چنین آمده است: " قاطعانه اعلام می‌داریم که تا تغییر ریشه‌ای وضعیت ضدانسانی موجود، تا پیروزی کامل انقلابمان، و رهایی زنان و رهایی کل جامعه از نظام استثمار و سلطه مذهب، دست از دادخواهی و مبارزه در داخل و خارج کشور، برنداشته و هرگز عقب نمی‌کشیم." این بیانیه در ادامه از انقلاب زن زندگی آزادی سخن گفته و در آن چنین آمده است: " انقلاب زن زندگی آزادی، انقلابی

زنان، فاطمه اختصاری - شاعر و نویسنده، شیلا میرزایی - فعال سیاسی، مهدی موسوی - شاعر و نویسنده، مدافع حقوق زنان، علی قلی لو - فعال حقوق زنان و زندانی سیاسی سابق، مهشید ناظمی - فعال حقوق زنان

بیانیه دیگری از سوی نهاد ندای زنان ایران تحت عنوان "انقلاب زن زندگی آزادی، انقلاب همه ماست" داده شده است. در بخشی از آن چنین آمده است: "انقلاب زن زندگی آزادی با جنبش زنان برای آزادی پیوندی ناگسستگی دارد. ۲۵ شهریور سالروز مرگ مهسا امینی سرآغاز اولین انقلاب زنانه تاریخ است. انقلابی که با مرگ ژینا رقم خورد، سرآمد چندین دهه مبارزات زنان در برابر آپارتاید جنسیتی است که حق آزادی و زندگی را ابتداءً از زنان و به تبع آن از همه انسان‌ها سلب کرده است." در ادامه این بیانیه بر منشورهای انقلاب اشاره داشته و در آن چنین آمده است: "اینک در یک سالگی انقلاب مهسا که مزین به "منشور زن زندگی آزادی" و "منشور زنان پیشرو" شده است بسیار مصمم‌تر از پیش برای تحقق شعار زن زندگی آزادی به یاد ژینا، حدیث، نیکا، کیان، پویا، ندا، نوید، محسن، مهرشاد، سیاوش و دیگر نام‌هایی که بر قلب تاریخ مبارزاتمان حک شده است، تا در هم شکستن همه ستون‌های پوسیده آپارتاید حاکم و ساختن یک زندگی بهتر و انسانی از پای نخواهیم نشست." در آخر هم تأکید می‌کند که

به‌عنوان یکی از امضاکنندگان بیانیه هشت تشکل در مناسبت سالگرد انقلابمان و گرامیداشت یاد مهسا، بر آمدن به خیابان در ۲۵ شهریور روز مهسا و گرامیداشت باشکوه سالگرد انقلاب تأکید دارد.



یک نکته مهم این بیانیه تأکید بر قراردادن اسناد برآمده از انقلاب همچون "منشور مطالبات حداقلی ۲۰ تشکل" و "منشور مطالبات پیشرو زنان" به‌عنوان خاستگاه مطالبات مردمی است. در این بیانیه بر بکار بردن

همچنین جمعی از فعالین جنبش زنان و دیگر جنبش‌های اعتراضی به مناسبت ۲۵ شهریور؛ سالروز قتل حکومتی مهسا امینی و آغاز انقلاب زن زندگی آزادی پیامی دادند. در بخشی از این پیام آمده است: "اعلام می‌داریم که تا تغییر ریشه‌های وضعیت ضدانسانی موجود، تا پیروزی کامل انقلابمان، و رهایی زنان و رهایی کل جامعه از نظام استثمار و سلطه مذهب، دست از دادخواهی و مبارزه در داخل و خارج کشور، برنداشته و هرگز عقب نمی‌کشیم" و پیام دیگر از سوی جمعی از فعالان اجتماعی تهران به مناسبت سالگرد انقلاب داده شده و قرارومدار تجمع و اعتراض در روزهای ۲۵ و ۲۶ شهریور را گذشته‌اند. گروه انقلابی دختران آفتاب ارومیه نیز به اعتصاب و اعتراض در ۲۵ شهریور تأکید کرده و خطاب به همه مردم خصوصاً مردم در شهرهای ارومیه، ماکو، نقده، خوی، سلماس فراخوانشان به پیوستن به اعتصاب در ۲۵ شهریور و تسخیر خیابان‌ها در ۲۶ شهریور فراخوان داده است.

بیانیه‌ای هم از سوی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور به مناسبت سالروز قتل ژینا و آغاز جنبش زن، زندگی، آزادی داده شده است. همین‌طور کانون نویسندگان ایران به این مناسبت بیانیه‌ای تحت عنوان "تداوم سرکوب، تداوم

عظیم و تاریخی علیه هر شکلی از ارتجاع و بردگی جنسی، هر شکلی از بهره‌کشی از انسان‌ها و هر شکلی از سرکوب است؛ این "انقلاب زنانه" رنسانسی. عظیم در برابر حاکمیت ارتجاع، واپس گرایی و حاکمیت مذهب و کل تاریخی است که بردگی جنسی. زن را به قانون درآورده و حجاب را سمبل و ابزار این بردگی قرار داده است؛ این انقلاب که پس از قتل حکومتی ژینا/مهسا امینی رخ داد، به درستی "حجاب" اولین خاکریز حکومت اسلامی را نشانه گرفت و از دست حکومت خارج کرد، و می‌رود که خاکریزهای بعدی را فتح کند. ما بر این باوریم که همچون چهار دهه گذشته، نه سرکوب و تجاوز، و نه زندان و شکنجه و اعدام، در عزم راسخ ما اکثریت مردم ایران برای رهایی از وضع موجود و رسیدن به آزادی، برابری، عدالت، سکولاریسم تأثیر نخواهد داشت. برای رهایی زنان، و نجات میلیون‌ها انسان از چنگال حکومتی که برای بقای خود به وحشیانه‌ترین و وقیحانه‌ترین شکل دست به اعدام و حمله شیمیایی و کشتار گسترده می‌زند، می‌بایست انقلابمان را به پیروزی برسانیم چرا که انقلاب زن زندگی آزادی فرصتی تاریخی و تنها راه موجود فعلی و روشی انسانی است که ما داریم."

تمام همت و عزم خود در همه بخش‌های جامعه برای به‌وقوع پیوستن اعتصابات سراسری و رفتن به سوی اعتصاب عمومی در کل جامعه تأکید شده است. این بیانیه با شعار ما "همه با هم هستیم" بر اتحاد گسترده برای پایان دادن به این وضعیت ضدانسانی تأکید می‌کند. امضاکنندگان این بیانیه عبارت‌اند از: رها احمدی - فعال حقوق زنان و کودکان، پوران ناظمی - فعال حقوق زنان و از امضاکنندگان بیانیه زنان برای استعفاى خامنه‌ای، فرشته دیدنی - فعال حقوق زنان، سارا سیاهپور - فعال صنفی معلمان و مدافع حقوق زنان، محبوبه فرحزادی - عضو هیئت‌مدیره کانون صنفی معلمان تهران، فعال حقوق زنان و سوادآموزی کودکان کار، رضوانه خان‌بیگی - زندانی سیاسی سابق، نویسنده و فعال مدنی، زهرا زارع سراجی - زندانی سیاسی سابق و مدافع حقوق زنان، حدیث صبوری - زندانی سیاسی سابق و فعال مدنی، الهام رسولی - فعال حقوق زنان و کودکان کار، سهیل عربی - زندانی سیاسی در تبعید، کارگر دادخواه، رادا مردانی - فعال جنبش معلمان، بهفر لاله زاری - زندانی سیاسی سابق، فعال مدنی، فرنگیس مظلوم - مدافع حقوق زنان، مادر سهیل عربی زندانی سیاسی، شیرین شمس - از مسئولین تشکل انقلاب زنانه، اعظم بهرامی - فعال حقوق زنان و محیط‌زیست، آزاده دواچی - فعال حقوق زنان، آدین رضایی - فعال حقوق زنان، نسیمه شمسایی - فعال حقوق

مقاومت" منتشر کرده است.

در همین رابطه و در کنار این بیانیه‌ها هفت زندانی سیاسی زن محبوس در زندان اوین به اسامی آزاده عابدینی، سپیده قلیان، شکلیا منفرد، گلرخ ایرایی، نرگس محمدی، محبوبه رضایی و ویدا ریانی بیانیه داده و اعلام کرده‌اند که در حمایت از مردم ایران و اعتراض علیه جمهوری اسلامی از روز جمعه در حیاط زندان دست به تحصن می‌زنند.

قبلاً نیز هشت تشکل کارگری (شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و کارگران غیررسمی نفت، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های کارگری، انجمن صنفی برق و فلز کرمانشاه، نهاد دادخواهان، ندای زنان ایران، سندیکای نقاشان البرز، صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد) بیانیه‌ای منتشر کردند و بر گرامیداشت سالگرد انقلاب تأکید کرده و عزم خود برای تبدیل سالروز قتل حکومتی مهسا ژینا امینی ۲۵ شهریور به روز تعطیل عمومی هر ساله، از مردم و گروه‌ها خواستند با تجمع در خیابان‌ها و برگزاری اعتصاب، انقلابشان را با قدرت ادامه دهند و بر اتحاد حول منشور خواست‌های حداقلی منشور بیست تشکل به‌عنوان منشور اتحاد مردمی تأکید کردند. نهاد دادخواهان همچنین بیانیه مستقلی داده است که در آن با اشاره به بیانیه عفو بین‌الملل و با شعار نه می‌بخشیم نه فراموش می‌کنیم بر محاکمه و پیگرد سران حکومت به‌خاطر همه جنایاتشان تأکید شده است.

و بالاخره همانطور که قبلاً گزارش کرده‌ایم پیام‌های پرشور دیگر از سوی نهادهایی چون دادخواهان، دادخواهان سیستان و بلوچستان، شورای بازنشستگان ایران، کانون گفتگوی بازنشستگان تأمین اجتماعی، گروه بازنشستگان مستقل تهران ال جی پی تی‌ها، سندیکای نیشکر هفت‌تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، گروه اتحاد بازنشستگان، کارگران بازنشسته خوزستان منتشر شده است. بعلاوه اینکه در این مدت اکتیویست‌های اجتماعی از دادخواهان همچون گوهر عشقی تا فعالین شناخته‌مدافع حقوق زنان همچون، نرگس الیکایی، مهناز سید مرتضایی، شعله اعلائی، فانوس بهادرورند، مهناز طراح، رضوانه بیگی، سمانه قاسمی، فرح سلیمانی، محبوبه هریاسیان، فعالین ندای زنان ایران مریم محمدی، اکرم نصیریان، نرگس خرمی، اسرین درکاله و ناهید شقاقی، فعالین کارگری و اجتماعی همچون عثمان اسماعیلی، سهراب مهدی‌پور تا سینماگران و هنرمندان پیام داده و سالگرد انقلاب را گرامی داشتند. زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی.

این بیانیه‌ها همگی نشانگر ابعاد سراسری و عمق انقلاب زن زندگی آزادی است. انقلابی که جامعه را شخم زده و می‌خواهد به کل بساط توحش و بربریت سرمایه‌داری حاکم و استثمار و تبعیض و نابرابری پایان دهد. انقلابی انسانی برای جامعه‌ای انسانی.

سالروز انقلاب و بازتاب جهانی آن

به مناسبت سالروز انقلاب از روز گذشته تجمعات بسیاری در شهرهای مختلف جهانی در گرامیداشت این روز تاریخی و یاد مهسا

امینی برگزار شده است. حزب کمونیست کارگری از جمله برگزارکنندگان این تظاهراتها بوده است. تدارک گسترده سالروز انقلاب بازتاب جهانی بسیاری داشته است. سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای که روز چهارشنبه ۲۲ شهریور (۱۳ سپتامبر) در آستانه سالگرد انقلاب منتشر کرد جامعه جهانی را فراخواند تا در سطح بین‌المللی برای پیگیری جنایات جمهوری اسلامی در جریان خیزش زن زندگی آزادی اقدام کند. همچنین امروز ۲۵ شهریور روزنامه لیبراسیون در مطلبی در صفحه اول خود تحت عنوان "یک‌سال پس از درگذشت مهسا امینی، خشم و امید" می‌نویسد: "اگر سرکوب شدید، تظاهرات را کم‌تر کرده؛ اما برای مخالفان دیگر راه برگشتی نیست. رویدادی چنان شورانگیز که بخش بزرگی از جوانان ایران را به خیابان‌ها کشاند. سرکوب وحشیانه حکومت اگرچه تعداد تظاهرات را کاهش داد، اما خشم را از بین نبرد". همچنین کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آلمان (DGB) در حمایت از مبارزات مردم ایران در سالگرد قتل مهسا امینی بیانیه‌ای داده است که در بخشی از آن چنین آمده است: "۱ سال پیش، ژینا مهسا امینی به قتل رسید. از آن زمان تاکنون اعتراضات در ایران متوقف نشده است. باین‌حال، رژیم همچنان به سرکوب #زنان، #اتحادیه‌ها و همه کسانی که برای #آزادی و #دموکراسی مبارزه می‌کنند، ادامه می‌دهد. ما در همبستگی با معترضان می‌ایستیم و خواهان آزادی زندانیان هستیم."

از جانب کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری به همه زنان و جوانان و کارگران و مردمی که جسورانه ادامه انقلاب زن زندگی آزادی را رقم می‌زنند، درود می‌فرستم و یاد همه جان‌باختگان انقلابمان را گرامی می‌دارم. با قدرت انقلاب و حمایت‌های بین‌المللی مردم شریف جهان می‌توانیم در گام اول جمهوری اسلامی این حکومت توحش و جنایت را در سطح جهان بایکوت و سران آن را تحت پیگرد قرار دهیم و انقلابمان را تا برچیدن کل بساط توحش ضدانسانی حاکم ادامه دهیم. زنده‌باد انقلاب.

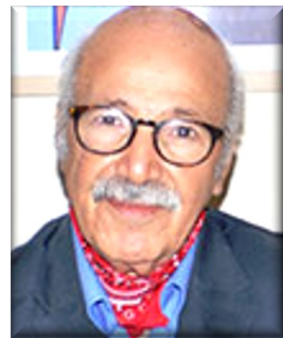
شهلا دانشفر

دبیر کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۵ شهریور ۱۴۰۲



سالگرد انقلاب و تشدید فشار جهانی بر حکومت



کازم نیکخواه

ماه گذشته نیز سازمان عفو بین‌الملل خواهان دستگیری و محاکمه مقامات حکومت اسلامی به دلیل ارتکاب وسیع جنایت علیه مردم شد.

سازمان آموزش بین‌المللی (Edjucation Intenrational) نیز که ۳۲ میلیون عضو در سراسر جهان دارد کارزاری را برای آزادی جعفر ابراهیمی و همه معلمان دربند به جریان انداخته و شمار زیادی از اتحادیه‌های کارگران و معلمان جهان به این کارزار پیوسته‌اند. لیبر استارت، سایت طرفدار اتحادیه‌ای نیز این کارزار را فعالانه دنبال می‌کند.

یک حرکت بی‌سابقه در هفته گذشته رأی قاطع و فراحزبی نمایندگان کنگره آمریکا به «قانون مهسا» بود که با اکثریت قاطع ۴۱۰ رأی در مقابل فقط ۳ رأی مخالف به تصویب رسید. جالب است که اکثریت نمایندگان هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه به آن رأی مثبت دادند و این حرکت درست زمانی صورت می‌گیرد که دولت بایدن در حال مذاکره با جمهوری اسلامی و آزادکردن دارایی‌ها و مبادله زندانیان بود. این قانون در صورت تصویب نهایی در سنا دولت را

موظف می‌کند که تحریم‌هایی را علیه خامنه‌ای، ابراهیم رئیسی، و نهاد ریاست جمهوری و همچنین نهادها و بنیادهایی که با این مقامات ارشد حکومت اسلامی مرتبط هستند وضع کند.

اینها گوشه کوچکی از فضای بین‌المللی علیه جمهوری

اسلامی است. روشن است که دولت‌ها و نهادهای رسمی، مصالح خود را نمایندگی می‌کنند و در مقابل حکومت اسلامی زیگزاگ و چپ و راست می‌زنند. اما نقش انقلاب و خیزش مردم در اینکه جمهوری اسلامی با چه رفتاری در سطح جهان مواجه شود تعیین‌کننده است. هرچه فضای سرنگونی در جامعه فعال‌تر می‌شود، دولت‌ها و نهادهای بیشتری بر علیه حکومت اسلامی موضع می‌گیرند. شرایط کنونی که سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی است و فضای پرشور و ملت‌پسندی را شاهد هستیم، باعث شده است که جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی نیز زیر فشار بیشتری قرار گیرد و گوش‌ها برای شنیدن صدای مردم و اپوزیسیون انقلابی و سرنگونی طلب بازتر شود.

حکومت اسلامی، ماهیتاً یک حکومت بحران‌آفرین و تروریست و ضد ارزش‌ها و استانداردهای متعارف بین‌المللی است و در نتیجه تا زمانی که این حکومت سر کار است، بحران بین‌المللی آن نیز در زمینه‌های مختلف ادامه خواهد یافت.

بحران هسته‌ای و موشکی و حقوق بشری

جمهوری اسلامی یکی از منفورترین حکومت‌ها در سطح جهان است.

بعویژه با انقلاب زن زندگی آزادی، نفرت از این حکومت و سران و دست‌اندرکارانش در سطح جهان بسیار گسترش یافته و همبستگی و حمایت جهانی از خیزش و خواست‌های مردم بسیار فزونی گرفته است. با شروع انقلاب شمار بیشتری از اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های انسان‌دوست، گروه‌های مدافع محیط‌زیست، هنرمندان و نویسندگان و ورزشکاران، و بسیاری مردم شریف جهان به شیوه‌های مختلف با خیزش و انقلاب برای سرنگونی این حکومت همراهی کردند. فضای بین‌المللی، فضای نفرت از این حکومت است.

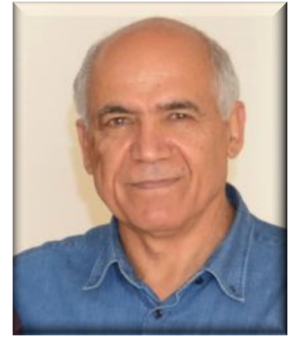
حکومت هر بار با کمک دولت‌های ارتجاعی خیز بر می‌دارد که خود را از انزوا بیرون بکشد و به صحنه بین‌المللی وارد شود. اما بلافاصله با موجی محکم عقب رانده می‌شود.

در روزهای اخیر و در آستانه انقلاب زن زندگی آزادی، کمپین‌ها و بیانیه‌های مهمی علیه جمهوری اسلامی در سطح جهانی به جریان افتاده است و کل کارزار حکومت برای نشان دادن بازگشتش به صحنه بین‌المللی را نقش بر آب نموده است. روز ۲۲ شهریور عفو بین‌الملل بیانیه‌ای تندی



به‌خاطر جنایات جمهوری اسلامی صادر کرده و از دولت‌ها خواسته است که سران جمهوری اسلامی را به‌خاطر جنایات و سرکوبگری‌هایشان به محاکمه بکشند. عفو بین‌الملل از اینکه جمهوری اسلامی جنایت می‌کند و در سطح بین‌المللی مورد بازخواست دولت‌ها و نهادهای انسانی قرار نمی‌گیرد انتقاد کرده و این وضعیت را تحت عنوان «بحران مصونیت از مجازات» نام برده است. دیانا الطحاوی معاون دفتر خاورمیانه و شمال آفریقای عفو بین‌الملل می‌گوید سالگرد اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» فرصتی برای یادآوری جدی به کشورهای سراسر جهان برای آغاز تحقیقات جنایی «در مورد جنایات شنیع ارتكابی از سوی مقامات جمهوری اسلامی» است. این نهاد بین‌المللی از همه دولت‌ها خواسته است که تحقیقات جنایی درباره مظنونان به مسئولیت در «جنایات» از جمله فرماندهان و دیگر مقامات مافوق در حکومت جمهوری اسلامی را آغاز کرده و در صورت وجود شواهد قابل قبول اقدام به صدور قرار بازداشت بین‌المللی برای این افراد کنند.

دشمنان و کابوسی خامنه‌ای مندرج در ژورنال



اصغر کریمی

قدس «علی مانده و حوضش.»

بی‌جهت نیست که خامنه‌ای در این سخنرانی‌اش گفت: «اینی که می‌گوییم دشمن ضعیف می‌شود معنایش این نیست که نمی‌تواند مکر کند، نمی‌تواند دشمنی کند، نمی‌تواند ضربه بزند، می‌تواند. مشغول نقشه‌کشی‌اند ما باید خوابمان نبرد، ما باید غافل نشویم.» همین‌طور است جناب رهبر. نمی‌گذاریم خوابتان ببرد. چنان‌که به وسعت کشور در حال توطئه! و نقشه‌کشی و ضربه‌زدن هستیم که خوابش را هم ندیده‌اید. جنگی عظیم در پیش داریم و تا اینجا موفقیت‌های درخشانی داشته‌ایم. مذهب‌تان رو به نابودی است، حجاب اجباری‌تان رو به محو شدن است، برای یک نفرتان آبرویی باقی نگذاشته‌ایم. در همه زمینه‌ها بحرانی‌تان کرده‌ایم و ضربات سنگینی به نظامتان زده‌ایم و صفوفتان را به شدت متزلزل کرده‌ایم. با اتکا به این پیشروی‌ها، اتحادمان، سازمان‌هایمان، منشورهایمان و جلب افکار عمومی مردم انسان‌دوست در سراسر جهان با امید و اعتماد به نفس تا پایان دادن به بساط منحوس حکومتتان داریم به پیش می‌رویم.

باز هم خامنه‌ای از دشمن گفت: «دشمن در دشمنی و نقشه‌کشی-

خودش جدی است و ما هم در مقابله با دشمن به شدت جدی هستیم.»

صحبت خامنه‌ای قبل از هر چیز بیانگر ابعاد گسترده فعالیت دشمن در آستانه سالروز انقلاب است. دشمن، دشمنی چند ده‌میلیونی، هیچ شوخی ندارد. نه علیه فقری که به او تحمیل شده، نه علیه حکومت مذهبی، نه حجاب اجباری، نه فساد، نه اعدام نه جنایت، نه تبعیض و بی‌حقوقی مطلق، نه دادخواهی. دشمن آزادی و رفاه و عدالت و شادی و خوشبختی و همه چیزهای خوب زندگی را می‌خواهد که از او گرفته‌اید، می‌خواهد از شر شما خلاص شود و «ایستاده است تا پایان.» قربانی زیاد داده؛ اما از همیشه امیدوارتر و مصمم‌تر است.

خامنه‌ای گفت دشمن نقشه دارد «وحدت ملی و امنیت ملی را به هم بزند.» درست می‌گوید. وحدت ملی نوع حکومتی و امنیت ملی حکومتی را باید به هم زد و تا اینجا هم پیشروی‌های چشمگیری داشته‌ایم. امنیت مفت‌خوران را چنان‌که به هم زده‌ایم که از خامنه‌ای تا رئیسی و فرماندهان و آیت‌الله‌ها از صبح تا شب کابوس می‌بینند و از دشمن و نقشه‌هایش حرف می‌زنند. در مورد وحدت ملی چیزی به اسم وحدت ملی نداریم. مردم با حکومت و دزدان و مفت‌خوران حاکم، دشمنی دارند نه وحدت. اما وحدت صفوف خودتان را هم به شدت به هم زده‌ایم. نیمی از خود حکومتیان هر روز دارند انتقاد می‌کنند و اکثریت نیروی سرکوب هم دیگر دلش با حکومت نیست و چنان ریزش کرده و غیرقابل اتکا شده است که به قول فرمانده نیروی

نخستین روزانه ژورنال



تعرض حکومت به دانشگاه‌ها محکوم به شکست است



میلاد رباعی

پرتگاه برده است و جنبش دانشجویی با انبانی از تجارب و دستاوردها در مقابل رژیم ایستاده است.

وحشت حکومت از دانشگاه نشانه وحشتش از رشد چپ در جامعه است. می‌خواهد به خیال خودش با یورش به دانشگاه‌ها، «خطر» چپ در جامعه را متوقف کند. اما حقیقت این است که جنبش دانشجویی «نوک کوه یخ» عظیمی است که بدنه اصلی آن را جامعه تشکیل می‌دهد. جنبش دانشجویی بر شانه‌های جنبش سرنگونی رشد کرده و برای کوبیدن آن باید کل جنبش سرنگونی را از میان برد. کاری که رژیم در حال سقوط توان و قدرتش را ندارد.

تا همین‌جا دانشجویان و سایر جنبش‌های اعتراضی با قدرت تمام در مقابل تعدی رژیم به دانشگاه‌ها ایستاده‌اند و اعتراض خود را به اشکال گوناگون و با انتشار بیانیه‌های متعدد ابراز کرده‌اند. این تلاش مذبح‌خانه رژیم آن‌هم در چنین شرایطی، عملی از پیش شکست‌خورده است. این تعرض، دانشجویان را در ادامه مسیرشان که چیزی جز سرنگونی حکومت اسلامی نیست مصمم‌تر از پیش می‌کند و به‌مثابه بنزین ریختن بر آتش خشم مردم است. اساساً هرگونه تقابلی از سوی رژیم در این شرایط نتیجه‌ای جز این نخواهد داشت. به همین دلیل است که می‌توان با قاطعیت گفت حکومت در یک بن‌بست تمام‌عیار گرفتار است. نه سرکوب و بگیروبیند، نه ممانعت و کوتاه‌آمدن، هیچ‌یک نمی‌تواند راه نجاتی برایش باشد.

جامعه به نقطه بی‌بازگشت رسیده، تنها امکان، ادامه راهی است که آغاز کرده است؛ راهی که فقط با سرنگونی حکومت اسلامی به پایان می‌رسد.*

در هفته‌های اخیر شاهد اخبار فراوانی از اخراج اساتید دانشگاه‌ها و برخورد با دانشجویان بودیم. کاملاً روشن است که حکومت اسلامی توطئه و طرحی درازمدت را برای سرکوب دانشگاه‌ها در دستور دارد و در حال پیاده‌کردن آن است.

ردپای دور جدید تعرض به دانشگاه را می‌توان در سخنان چند سال اخیر سران رژیم و شخص خامنه‌ای مشاهده کرد. در سال‌های اخیر خامنه‌ای بارها در سخنرانی‌های علنی خود از فضای دانشگاه‌ها گله کرده و اعتراف کرد که مارکسیست‌ها در دانشگاه‌ها فعال شده‌اند. سران ریزودرشت رژیم هم بارها به فضای چپ دانشگاه اشاره کرده‌اند.

دانشگاه در ایران به درست سنگر آزادی نام گرفته است. جنبش دانشجویی در طی این سال‌ها گرایش‌های مختلفی را نمایندگی می‌کرده، دوره‌هایی انجمن‌های اسلامی، دفتر تحکیم وحدت و غیره در دانشگاه دست بالا را داشتند؛ اما از اوایل دهه ۸۰ این تناسب قوا به نفع چپ تغییر کرد. همان‌طور که سران رژیم هم معترف‌اند، امروز گرایش مسلط بر دانشگاه، گرایش چپ است و این دلیل عمده یورش اخیر به دانشگاه‌ها است. سران رژیم تجربه انقلاب فرهنگی را در کارنامه خود دارند و احتمالاً به خیال خود قصد تکرار آن را داشتند؛ اما فراموش کرده‌اند که فضای دانشگاه و جامعه به‌طور کلی، قابل‌قیاس با سال ۵۸ نیست. نه رژیم دارای چنان انسجامی است و نه جامعه شباهتی به آن زمان دارد. شرایط ۱۸۰ درجه متفاوت است. جامعه در حال انقلاب برای سرنگونی کل رژیم است و حکومت را تا لب





حزب و رهبری انقلاب

تدوین شده بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در کانال جدید
(برای تماشای این برنامه بر روی عکس کلیک کنید)

انقلاب به همین دلیل شکل گرفته است. این شرایط عینی می‌تواند زمینه و محور وحدت مردم باشد منتهی لازم است حزب و نیروی پرچم‌دار این وحدت باشد و در سیاست‌ها و مواضع و عملکردش وحدت و همبستگی بخش هرچه وسیع‌تری از مردم بجان آمده از وضعیت موجود را نمایندگی کند.

وحدت طبق تعریف بر مبنای همبستگی مردم حول ارزش‌های مشترک انسانی ممکن است و بنابراین شاخص بعدی این است که کدام حزب یا نیروی سیاسی ای نماینده و پاسدار ارزش‌های انسانی است. حزبی که باز نه تنها در حرف و ادعا، بلکه در عمل، در سابقه مبارزاتی و در فعالیت‌ها و مواضع و سیاست‌هایش انسان‌ها و ارزش‌های جهان‌شمول انسانی محور و نقطه عزیمت باشند. مقدساتی نظیر مذهب و قومیت و ملیت و ایرانیت تنها بر تفرقه و چنددستگی میان مردم دامن می‌زند. تمایزات و هویت‌سازی‌های ملی و قومی و مذهبی و نژادی و جنسیتی، همگی ضدانسانی و تفرقه‌افکنانه است؛ بنابراین نقد این نوع مقدسات خود یک رکن مهم تقویت اتحاد و همبستگی میان توده مردم است. حزب رهبری کننده انقلاب باید حامل ارزش‌های انسانی و منتقد پیگیر مقدسات و تابوهای تفرقه‌افکنانه باشد.

و بالاخره یک شاخص مهم این است که حزب یا نیروی مدعی رهبری آن قدرت و جایگاه و توانایی را داشته باشد که به‌عنوان نیروی که می‌تواند جمهوری اسلامی را سرنگون کند و خواست‌ها و اهداف انقلاب را متحقق کند مردم به آن اعتماد داشته باشند. حزبی که امکان‌پذیری جاروکردن کل حکومت جمهوری اسلامی و درهم‌کوبیدن نظام پاسدار تبعیض و فقر و بی‌حقوقی موجود را در چشم‌انداز جامعه قرار بدهد و مردم در ناصیه این حزب، در سیاست‌ها و فعالیت‌هایش، این توانایی را ببینند که می‌تواند انقلاب را به پیروزی برساند.

اینها به طور خلاصه شاخص‌های اصلی ای است که یک حزب و یا نیرو و سازمان سیاسی را شایسته رهبری انقلاب می‌کند.

حسن صالحی: شما بارها تأکید کرده‌اید که رهبری انقلاب در خود انقلاب عروج می‌کند. آیا معنی این حرف این است که کسب رهبری تنها در گرو فعالیت نیروها در خود روند انقلاب است؟ آیا پیشینه و سابقه احزاب و نیروها قبل از انقلاب نقشی ندارد؟

حسن صالحی: روشن است که هیچ انقلابی بدون رهبری به پیروز نمی‌رسد. سؤال این است که در انقلاب زن زندگی آزادی چه نیروی می‌تواند این نقش را ایفا کند؟ به نظر شما رهبر انقلاب چه خصوصیتی باید داشته باشد؟

حمید تقوایی: طبعاً اولین خصوصیت این است که نیروی رهبری‌کننده خودش باید یک نیروی انقلابی باشد. به این معنا که در تفکرش، در سیاست‌هایش، و در ارزش‌هایش، انقلاب و زیرووردن نظم موجود به قدرت توده مردم مکانی محوری و کلیدی داشته باشد. قاعدتاً چنین نیروی مدت‌ها قبل از انقلاب فعال بوده است و سیاست‌هایش برای مردم شناخته شده است؛ بنابراین این خصوصیت به‌سادگی قابل تشخیص است. کافی است مردم به سابقه فعالیت‌ها و مواضع و سیاست‌های احزاب و نیروهای سیاسی حاضر رجوع کنند و ببینند کدام حزب از مدت‌ها قبل از خیزش حاضر پرچم انقلاب را بلند کرده، تنها راه رهایی جامعه را انقلاب اعلام کرده، و از مردم خواسته است که علیه کل نظام جمهوری اسلامی با همه جناح‌های دو خردادی و سبز و بنفش و اسلام "خوب و بد" ببا برخیزند و حکومت را سرنگون کنند. این به نظر من اولین شاخص است. حزبی و نیروی سیاسی ای می‌تواند نقش رهبری را ایفا کند که عملاً در پراتیک و در سابقه فعالیت‌هایش، انقلابی و پرچم‌دار انقلاب باشد برای درهم‌کوبیدن نظم موجود و برپائی یک‌دنیای بهتر و انسانی به قدرت انقلاب.

شاخص دوم نمایندگی کردن اعتراض و نقد عمیق به کل نظم موجود و علیه جمهوری اسلامی با همه قوانین و جناح‌ها و سیاست‌هایش، علیه حجاب و اعدام، علیه اسلام و قصاص و کلیه مقدسات و تابوهای اسلامی است. در این مورد هم حزبی می‌تواند نماینده "نه" عمیق و همه‌جانبه انقلاب جاری به کل نظام و حکومت جمهوری اسلامی باشد که از مدت‌ها قبل پرچم این نقد و اعتراض همه‌جانبه را برافراشته باشد.

شاخص دیگر این است که حزب موردنظر بتواند در دل همین انقلاب به‌عنوان نیروی متحدکننده مردم علیه جمهوری اسلامی عمل کند و در این جهت نقش اساسی ای ایفا نماید. اتحاد مردم علیه جمهوری اسلامی دلایل و پایه‌های عینی دارد. اکثر قریب به اتفاق مردم ایران از تبعیضات در سطوح مختلف، از فقر و بی‌تامینی معیشتی، از بی‌حقوقی، از سرکوب و جنایات حکومت به فغان آمده‌اند و اصلاً

حمید تقوایی: بحثی که به آن اشاره کردید مربوط به تحولات و خیزش سال ۹۶ بود. امروز آن شاخص‌ها و آن نکاتی که آنجا مطرح کردم خیلی بیشتر صدق می‌کند. اجازه بدهید چند مثال بزنم.

در این انقلاب در مقطع حاضر مسئله حجاب و حرکت توده‌ای علیه حجاب نقش برجسته‌ای پیدا کرده است. جنبش بی‌حجابی چنان گسترده است که رژیم را کاملاً کلافه و مستأصل کرده است. حکومت تمام قدرت جهنمی خودش را به کار می‌برد، از لایحه حجاب و عفاف و گشت ارشاد تا بگیروبیند و تهدید و غیره و ولی همچنان می‌بینید این جنبش بی‌حجابی ادامه دارد و گسترده‌تر می‌شود. فکر کنم هر ناظری متوجه شده است که حرکت زنان علیه حجاب یک جبهه مهم انقلاب در ایران است. سؤال من این است که آن حزبی که همیشه حجاب را به‌عنوان مظهر آپارتاید جنسی معرفی کرده، علیه‌اش جنگیده، روز جهانی بی‌حجابی اعلام کرده و بزرگ داشته، و حجاب را بیرق اسلام سیاسی و ارتجاع اسلامی نه‌تنها در ایران بلکه در تمام دنیا، دانسته و معرفی کرده، کدام حزب است؟ شما به‌غیر از حزب کمونیست کارگری می‌توانید نیروی دیگری را سراغ کنید که این چنین مبارزه علیه حجاب امر همیشگی‌اش باشد؟ از همان سال ۵۷ پایه‌گذاران این حزب فعالانه علیه حجاب اجباری به خیابان آمدند. در زمانی که خیلی از سازمان‌های چپ مسئله حجاب را فرعی و بی‌ربط به زنان کارگر می‌دانستند ما مقابل این موضع ایستادیم. مبارزه ما و بسیاری از فعالین جنبش رهائی زن علیه حجاب در تمام دوره حاکمیت جمهوری اسلامی ادامه داشته و امروز می‌بینیم که به یک جبهه مهم انقلاب تبدیل شده است.

نکته دیگر نفس شکل‌گیری انقلابی است که به انقلاب زنانه در دنیا معروف شده. بیست و اندی سال قبل بود که زنده‌یاد منصور حکمت، رهبر و پایه‌گذار حزب، پیش‌بینی کرد انقلاب آتی ایران انقلابی زنانه خواهد بود و نهاد انقلاب زنانه که بر همین مبنی شکل گرفت این پرچم را برافراشته نگاهداشت. امروز دوست و دشمن به خصلت زنانه انقلاب حاضر معترف‌اند.

فاکتور دیگر اینکه در آخرین کنگره حزب که حدود یک سال قبل از آغاز انقلاب تشکیل شد پیام ما به مردم این بود که همه با هم هستیم. در این پیام اعلام کردیم ما کارگران زنان، جوانان، بازنشستگان و معلمان، دانشجویان، کشاورزان و همه مردم به‌پاخواسته برای سرنگونی جمهوری اسلامی، همه همبسته و متحد و در کنار هم هستیم.

آن زمان حتی خیلی از چپ‌ها مقابل این پیام ایستادند به این بهانه که انقلاب کارگری است و غیره - ظاهراً در انقلاب کارگری بقیه مردم تماشاچی هستند! - ما بر این شعار پافشاری کردیم، معنی همه با هم را توضیح دادیم و صفوف مردم را به اتحاد فراخواندیم. امروز "همه با هم هستیم" یک آیکون این انقلاب است. یک گفتمان و ترند انقلاب در جامعه و در مدیای اجتماعی است.

حمید تقوایی: مسلماً نقش دارد. توضیحی که در سؤال اول دادم باید موضوع را روشن کرده باشد که سابقه و گذشته احزاب چقدر مهم است. منتهی این بحث که در دل انقلاب رهبری شکل می‌گیرد به این معنا است که از پیش از انقلاب نمی‌شود گفت چه حزب با نیروی رهبر خواهد بود. چون شما هر سابقه‌ای داشته باشید و هر فعالیتی کرده باشید، دوره تعیین‌کننده دوره عملکرد شما و مواضع شما - شما به‌عنوان یک حزب و یک نیروی فعال سیاسی - در دل انقلاب است. موقعیت شما بستگی به آن دارد که در جریان انقلاب چه می‌کنید. وقتی جامعه بلند می‌شود برای به زیر کشیدن یک حکومت که تعریف انقلاب همین است، آن وقت شاخص‌های مهمی در رابطه با خود انقلاب جاری به معیار مردم تبدیل می‌شود. یکی از این شاخص‌ها همانطور که در بالا اشاره کردم این است که چه حزبی می‌تواند واقعاً پرچم‌دار نخواستن مردم، "نه" مردم، اعتراض مردم به حکومت باشد. چه حزبی می‌تواند در دل تحولات انقلابی، یعنی در شرایطی که به‌قول معروف در یک روز جامعه ده‌ها سال تجربه می‌اندوزد و آبدیده می‌شود، در جلوی صف قرار بگیرد و نشان بدهد که در واقع پرچم‌دار نقد عمیق مردم و اعتراض عمیق مردم به همه وضع موجود است. در زمان انقلاب تظاهرات‌ها، تجمعات، اعتصابات، تحصن‌ها، حمله به ارگان‌های حکومتی و بالاخره قیام مسلحانه، همه اینها اتفاق می‌افتد. اینکه در همه این تحولات هر حزبی کجا قرار می‌گیرد، چه می‌کند و چه رهنمودی و فراخوان‌هایی می‌دهد، عامل چه سیاست‌هایی است و معیارهایی از این دست، کاملاً تعیین‌کننده است.



به این معنا است که می‌گویم حزب و یا کلاً نیروی رهبری‌کننده انقلاب در دل انقلاب شکل می‌گیرد. طبعاً اگر حزبی سابقه، سیاست‌ها، پراتیک و تجربه لازم از سال‌های قبل از انقلاب را نداشته باشد به ناگهان نمی‌تواند با این خصوصیات از زمین سبز بشود. این تجربه از سال‌ها قبل از انقلاب باید وجود داشته باشد تا حزبی بتواند در دل انقلاب عروج کند. اگر شما حزب و نیروی با چنین سابقه‌ای نباشید طبعاً جایی در بحث رهبری پیدا نمی‌کنید. سابقه و ارزش‌ها سیاست‌های احزاب پیش از انقلاب مسلماً در جایگاه آنان در جریان انقلاب نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. ولی درهرحال انقلاب هست که تعیین می‌کند چه حزبی شایسته کسب رهبری است.

حسن صالحی: شما حدود ۵ سال قبل در پلنوم ۴۸ حزب سخنرانی داشتید با عنوان حزب رهبری انقلاب وجود دارد که متن کتبی آن هم منتشر شد. شما حزب را شایسته رهبری انقلاب معرفی کردید. چرا چنین فکر می‌کنید؟

حزب و رهبری انقلاب
از صفحه ۹

حسن صالحی: بعضی معتقدند اسم کمونیسم یک مانع است. می‌گویند با توجه به سابقه شوروی و چین و تبلیغات جنگ سردی و غیره مردم نظر خوشی نسبت به کمونیسم ندارند. شما در این مورد چه فکر می‌کنید؟

حمید تقوائی: به همین دلیل است که ما خودمان را در تمایز از "کمونیسم" های روسی و چینی و غیره حزب کمونیست کارگری نامیدیم و فقط هم اسم گذاری نیست، در مواضع و عملکردمان، در سیاست‌ها و در تئوری‌هایمان، در برنامه و استراتژی‌مان، کاملاً حساب خود را کمونیسم‌های بلوک شوروی و چین و کمونیسم اروپایی و چریکی و کلاً انواع جریاناتی که همین تصویر منفی را از کمونیسم به دست داده‌اند، جدا کرده‌ایم و به تبلیغات جنگ سردی که اساساً مبتنی بر همین تصویر منفی است نیز در نظر و عمل و با پراتیک و سیاست‌هایمان پاسخ گفته‌ایم.

بله تجربیات و تبلیغات منفی تا حدی مانعی بر سر راه رشد کمونیسم واقعی است؛ ولی به نظر من کمونیسم کارگری با پراتیک خودش، با برنامه یک‌دنیای بهتر، با مواضع و سیاست‌های خودش کاملاً حسابش را از دیگر مدعیان کمونیسم جدا کرده است. ما کلاً از کمونیسم نوع دیگری صحبت می‌کنیم.

الان خیلی از مردم در خارج و در داخل کشور موافق و حامی فعالیت‌های حزب هستند؛ اما برخی می‌گویند "کارهایشان خوب است؛ ولی حیف که کمونیست هستند!" ما می‌توانیم این را به "کارهایشان خوب است؛ چون که کمونیست هستند!" تبدیل کنیم. این کاملاً ممکن است. تجربه ما نشان می‌دهد که این روند شروع شده است.

در حال کمونیست کارگری با برنامه یک‌دنیای بهتر و با فعالیتش و با نقد تئوریک عمیقش به تجربه شوروی که مدت‌ها قبل از فروپاشی دیوار برلین مطرح و منتشر کرد و با نقدی که به کل کمونیسم غیر کارگری، هم از نظر تئوریک و هم از نظر عملکرد، دارد جنبشی کاملاً متمایز از کمونیسم‌هایی است که با فروپاشی شوروی دوره‌شان به پایان رسید. من فکر می‌کنم هر ناظر سیاسی، هر کسی که اندک آشنایی با شرایط سیاسی در ایران و با حزب ما داشته باشد متوجه می‌شود که کمونیسم کارگری یک جنبش و حزب کاملاً متفاوتی از آن تجربه شکست خورده است.

حسن صالحی: اشاره کردید که حزب شرایط و خصوصیات یک نیروی رهبری‌کننده را دارد؛ ولی به اندازه کافی با این عنوان شناخته شده نیست. چه باید کرد که حزب به رهبر عملی انقلاب تبدیل بشود؟

حمید تقوائی: به نکته مهمی دست گذاشتید. همانطور که توضیح دادم فرق اساسی شرایط امروز ایران با سال ۵۷ و انقلابات گذشته در خود ایران و در منطقه، این است که در ایران حزبی با خصوصیات رهبری‌کننده وجود دارد. نه

نکته بعدی اینکه ما همیشه علیه آپارتاید جنسیتی حاکم در ایران مبارزه کرده‌ایم. اصطلاح آپارتاید جنسیتی را حزب ما وارد ادبیات اعتراضی ایران کرد. حجاب را مظهر و دیوار آپارتاید جنسیتی دانستیم و اعلام کردیم جمهوری اسلامی باید مثل حکومت آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی بایکوت شود. مسئله آپارتاید جنسیتی، اعتراض علیه آن و بخصوص نشان دادن حجاب به عنوان دیوار آپارتاید جنسیتی یک وجه همت و فعالیت همیشگی حزب ما بوده است. امروز ۸ کارشناس سازمان ملل اعلام می‌کنند که لایحه عفاف و حجاب شکلی از آپارتاید جنسیتی است و مصداق جنایت علیه بشریت است و باید جمهوری اسلامی به این دلیل محکوم بشود.

در عرصه مبارزه علیه اعدام امروز می‌بینیم جامعه اعلام می‌کند "اعدام برای هر جرمی" باید ممنوع شود. اعلام می‌کند "همه با هم علیه اعدام". این حزب ما بوده است که اعدام را قتل عمد دولتی دانسته و از ابتدا اعلام کرده است مجازات اعدام باید ملغی شود. اعدام خوب و بد ندارد، شرط رضایت خانواده و لغو گام به گام اعدام نداریم. اعدام به هر بهانه و به خاطر هر جرمی باید ملغی بشود و الان این گفتمان جامعه است.

نمونه‌ها زیاد است و فرصت برای توضیح بیشتر نیست. این واقعیات است که نشان می‌دهد حزب شایسته و درخور رهبری انقلاب، حزب کمونیست کارگری است. این را ممکن است برخی به حساب تعریف از خود بگذارند. بلکه ما این ادعا را داریم؛ ولی این امر مبانی عینی و واقعی دارد و متکی است بر عملکرد، بر پراتیک اجتماعی، و بر سابقه مبارزاتی چند دهه‌ساله حزب ما. این ادعائی مبتنی بر حرف، مبتنی بر تنها سیاست‌ها و مواضع و برنامه اعلام شده ما نیست. گرچه آنچه ما عمل می‌کنیم بقیه حتی حرفش را هم نمی‌زنند. کارنامه عملی ما پشتوانه این نظریه است.

در شرایط امروز ایران این بسیار مهم است که حزب شایسته رهبری انقلاب وجود دارد. در انقلابات موسوم به بهار عربی حزبی با این خصوصیات وجود نداشت و اساساً به همین دلیل آن انقلابات بجایی نرسید.

در ایران امروز این حزب وجود دارد. مسئله این است که این حزب در یک مقیاس توده‌ای باید شناخته بشود؛ اما نفس وجود این حزب یک فرق اساسی هست بین شرایط سیاسی امروز ایران با مصر دوره انقلاب التحریر و یا انقلاب ایران در سال ۵۷.



حزب و رهبری انقلاب

از صفحه ۱۰

به خاطر ادعایش بلکه به خاطر عملکرد و سیاست‌هایش، به خاطر کارنامه پربار و سابقه‌اش. مسئله بنابراین به اینجا گره می‌خورد که جامعه، توده مردم در یک سطح گسترده، چقدر این حقیقت را می‌داند و چقدر با این واقعیت آشنا است.

این واقعیت آن‌طور که باید و شاید شناخته شده نیست. حزب هنوز در یک مقیاس توده‌ای شناخته نشده. تحقق این امر، اینکه حزب عملاً هم بتواند آن جایگاهی که واقعاً درخورش هست را کسب کند، نیز تماماً به عملکرد حزب در شرایط انقلابی حاضر بستگی دارد. ما از نظر سیاست‌ها و مواضع، تبلیغات و تأثیرگذاری بر فضای عمومی جامعه، فعالیت‌های میدانی و سازماندهی، و در کوران انقلاب حاضر از نظر تبیین و نمایندگی کردن اهداف انقلاب و فراخوان‌ها و اقدامات میدانی در داخل و خارج کشور، بسیار فعال بوده‌ایم. طبعاً می‌توانیم و باید در این زمینه‌ها بهتر و فعال‌تر عمل کنیم. اما آنچه کمتر به آن پرداخته‌ایم معرفی و شناساندن خود حزب به عنوان یک فاکتور و موجودیت سیاسی به جامعه است. ضعف کار ما اینجاست. باید فعالیت‌ها و اقدامات بیشتری برای مطرح کردن خود حزب و جایگاه واقعی آن در نبرد بر سر کسب قدرت سیاسی انجام بدهیم. اقداماتی برای معرفی بیشتر حزب، چهره‌های حزبی، و تاریخچه و سابقه و دستاوردهای حزب.

ما در این زمینه می‌توانم بگویم کوتاهی کرده‌ایم، به اصطلاح کم‌فروشی کرده‌ایم. حزب باید علاوه بر سیاست‌ها و مواضع و تبلیغات و فراخوان‌هایش، با تمام سابقه و دستاوردها و عرصه‌های وسیع فعالیتش و حتی ساختمان و مناسبات و روابط درونی‌اش نیز به جامعه معرفی بشود. به این منظور یک سری پروژه‌ها و اقدامات عملی در دستور ما قرار می‌گیرد

که برخی را شروع کرده‌ایم؛ ولی باید جدیت و پیگیری بیشتری داشته باشیم و در سطح وسیع‌تری عمل کنیم. مثل معرفی و در دسترس قرار دادن همه ادبیات حزب، معرفی سابقه و سیر پرفرازونشیب رشد حزب در جامعه، معرفی عرصه‌های مبارزاتی متنوعی که سال‌هاست حزب درگیر آن است. از مبارزه علیه اعدام تا آزادی زندانیان سیاسی تا کودکان مقدم‌اند و دفاع از حقوق کودکان، تا حمایت از پناهندگان و نجات پناهندگان، مقابله با اسلام سیاسی در جهان و فعالیت‌های اکس مسلم تا فعالیت جهانی برای آزادی کارگران زندانی "Free Them Now"، دفاع از رنگین‌کمانی‌ها و دیگر عرصه‌هایی که کادرها و چهره‌های حزبی در آن فعال هستند و دستاوردها و پیشرویی‌های حزب در هر یک از این عرصه‌ها.

باید جامعه حزب را آن‌طور که واقعاً هست بشناسد. خیلی‌ها از طریق کانال جدید، به‌ویژه در این انقلاب، با سیاست‌های حزب آشنا شده‌اند و به حزب نزدیک شده‌اند. ولی فقط دارند نوک کوه یخ را می‌بینند. بدنه اصلی فعالیت‌های حزب با دیدن برنامه‌های کانال جدید شناخته نمی‌شود. حتی مجموعه امکانات و تلاش‌ها و فعالیت خستگی‌ناپذیر شبانه‌روزی که برای اداره یک تلویزیون ۲۴ ساعته لازم است کاملاً به جامعه معرفی نشده است. از این‌رو لازم است برنامه‌های معرفی حزب را در تمامی ابعاد که گفتم پی‌گرفت.

خلاصه حرف من این است که برنامه‌هایی در جهت معرفی حزب، نشان دادن توانایی‌های حزب، نشان دادن قدرت و صلاحیت حزب برای کسب رهبری و نظایر آن باید در دستور ما قرار بگیرد. از این‌پس با قدرت بیشتری و پیگیری بیشتری و در سطح گسترده‌تری این فعالیت‌ها را به پیش خواهیم برد.

۱۴ سپتامبر ۲۰۲۳، ۲۳ شهریور ۱۴۰۲



میریم تا سرنگونی

کاظم نیک‌خواه

شبهانه و فریاد مرگ بر دیکتاتور به‌ویژه در مناطق متعددی در تهران مثل جردن، تهران پارس، میدان انقلاب و اکباتان و تهرانسر. وسیع بود. در برخی شهرها مردم با بوق‌زدن ممتد اعلام سرنگونی کردند و انقلاب را فریاد زدند. تحرکات سالروز انقلاب بسیار است و به سالروز محدود نخواهد ماند. این یک شروع دیگر برای پایان حکومت منفور اسلامی است.

امروز مردم اعلام کردند که جمهوری اسلامی آشکارا یک حکومت اشغالگر است. همچون نازی‌ها در پاریس و لهستان و دیگر کشورها و شهرها. ما مردم به هزار شکل علیه آنها می‌جنگیم و آنها را به زیاله‌دان خواهیم ریخت. هیچ‌کس نباید در این تردیدی داشته باشد. سرنگونی در قلب همه مردم از زن و مرد و جوان و کودکان موج می‌زند. امشب ۲۵ شهریور نیز پیام سرنگونی سراسری به اشغالگران اسلامی از سراسر ایران داده خواهد شد. «فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی.»

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت جنایت‌کاران اسلامی!

درحالی که لشکر تباهی و تحجر اسلامی تا دندان مسلح در همه‌جا مستقر شده تا مانع تحرک مردم در سالروز انقلاب زن زندگی آزادی شود، از صبح امروز ۲۵ شهریور فضای اعتصاب و انقلاب همه‌جا موج می‌زند. امروز شهرهای سنندج، مریوان، کامیاران، دیواندره، اشنویه، پیرانشهر، بانه، مهاباد، بوکان، سقز و کرمانشاه و برخی دیگر شهرها در اعتصاب عمومی هستند. این یعنی مرگ بر جمهوری اسلامی توسط همه مردم کردستان. جمهوری اسلامی در قبرستان آبی محل دفن مهسا زرهپوش مستقر کرده است. پدر مهسا را امروز دستگیر کردند تا او را مجبور کنند که از مراسم سالگرد دست بکشد. مسیر بانه سقز را به بهانه تعمیر تونل بسته‌اند. در شهرهای سنندج و بوکان و دیگر شهرها نیز حالت حکومت‌نظامی ایجاد کرده‌اند. اما خاک بر سرشان! با این اقدامات نشان می‌دهند که وحشت تا مغز استخوانشان ریشه دوانده است. مردم وسیعاً در اعتصاب‌اند و با اعتصاب‌اتشان مرگ بر جمهوری اسلامی را بیان می‌کنند. نه فقط در کردستان در تهران و شیراز و اصفهان و شهرهای دیگر نیز نیروهای مزدور مسلح در خیابان‌ها مستقر کرده‌اند. اما دیشب شعاردهی‌های



زن، زندگی، آزادی

سفر خامنه‌ای به سیستان و بلوچستان، نمایشی از وحشت

مهران محبی

شرکت کننده اجاره ایشان در نمایشات استقبال از سران حکومت، نقداً پول پرداخت کنند و ساندیس بدهند، اما نمی‌توانند امنیت خود را حفظ کنند.

سفر خامنه‌ای به زاهدان در آستانه یک‌سالگی انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و قتل بیش از یک صد نفر از شهروندان زاهدانی معترضی که در جریان تجمع حمایت از انقلاب در روز جمعه ۸ مهر ۱۴۰۱ هدف گوله‌های مزدوران حکومت قرار گرفتند و جان باختند، با هدف عادی جلوه‌دادن اوضاع جامعه و مخصوصاً عادی جلوه‌دادن رابطه مردم استانی با حکومت است که بیشترین کشتارها در جریان انقلاب در آن صورت گرفته است.

در این سفر برخلاف تقلاي خامنه‌ای برای آرام جلوه‌دادن فضای سیاسی استان و عادی نشان دادن رابطه مردم محروم، داغدار و شدیداً معترض و سرنگونی طلب منطقه با حکومت جنایت‌کار، جلوه‌ای از ناآرامی و فضای انزجار و نفرت علیه جمهوری اسلامی در سطح استان به تصویر کشیده شد.

البته هدف دیگر خامنه‌ای از این سفر آن بود که یک‌بار دیگر به مزدورانش هم روحیه بدهد و هم اعلام آماده‌باش برای خونریزی کند و به مردم اعلام جنگ کند و آخرین اتمام حجتش را بکند. این اعلام جنگ را صراحتاً در سخنرانی‌اش در حضور مزدوران و وابستگانش کرد. خامنه‌ای گفت که دشمن (منظور مردم انقلابی ایران) در خصومتش با حکومت جدی است و ما هم جدی هستیم و به‌طور جدی مقابله می‌کنیم.

آنچه که در هیبت خامنه‌ای در این سفر نمایان بود، جنون قتل و کشتار آغشته به وحشت و ترس از سرنگونی قریب‌الوقوع حکومت و درماندگی و عجز در برابر عزم و اراده شکست‌ناپذیر مردم بود.

خامنه‌ای در شرایطی به این سفر رفت که نه تنها در زاهدان، بلکه در سراسر ایران از هفته‌ها پیش مردم در حال آماده‌شدن و سازمان‌دهی خود برای شروع دور جدیدی از تظاهرات‌ها و رویارویی‌های خیابانی هستند و فراخوان‌ها به آمدن دوباره به خیابان‌ها از روز ۲۵ شهریور، سالروز شروع انقلاب "زن، زندگی و قتل زینا امینی" است. برای اینکه به بساط این حکومت پایان دهند. یک نمونه از این فراخوان‌ها از سوی خانواده‌های دادخواه سیستان و بلوچستان داده شد که پاسخ محکومی به خامنه‌ای و حکومتیان است. در بخشی از پیام آنها چنین آمده است: بین ما با تن بی‌جان جگرگوشه‌هایمان بر دوش و شما با زندان‌ها و شلاق‌ها و تهدیدهایتان، تنها یک جمله باقی است: "قسم به خون یاران؛ ایستاده‌ایم تا پایان" و بعد ادامه داده و می‌گویند: "ما به کمتر از محاکمه همه آمرین و عاملین کشتار عزیزانمان رضایت نخواهیم داد و همانطور که در کف خیابان فریاد زدیم: از کردستان تا تهران اتحاد اتحاد. اینک نیز پاسخ متحدانه ما به

خامنه‌ای روز ۲۰ شهریور طبق برنامه از قبل تعیین شده به زاهدان سفر کرد. سفری که هیچ شباهتی به سفر نداشت. هیچ فیلم و گزارش تصویری از مسیر سفر و استقبال از خامنه‌ای در مسیر حرکتش پخش نشد. معلوم نبود که رهبر قاتلان و جنایت‌کاران اسلامی کی و از چه طریقی به زاهدان رسانده شد. هیچ معلوم نبود که به‌وسیله ماشین، هلیکوپتر یا هواپیما و از چه مسیری او را به یکی از شهرهای نزدیک که دارای فرودگاه است، منتقل کرده و سپس زمین را نقب زده و به محل اسکان موقتش رسانده‌اند. انتقال خامنه‌ای رهبر جنایت‌کاران و قاتلان به زاهدان کاملاً مانند انتقال قاچاق یک قاتل حرفه‌ای و مافیائی توسط باندهایش از یک منطقه به منطقه‌ای دیگر به طور کاملاً حرفه‌ای بود.

این سفر دزدانه خامنه‌ای برای خود او و حکومتش، نمایشی از یک درماندگی، ترس و وحشت و احساس ناامنی و خطر محاصره‌اش توسط مردم بود. خامنه‌ای که مدام ادعا می‌کند حکومتش دارای اقتدار و کنترل بر اوضاع است، این‌گونه با خفت و خواری و به‌دوراز چشم مردم زاهدان با هزار ترس‌ولرز و تحت شدیدترین تمهیدات امنیتی به امنیتی‌ترین مرکز شهرشان منتقل می‌شود. شهری که مردم در آن یک سال است یکی از کانون‌های آتشین انقلاب بوده و بعد از جمعه خونین و کشتار حکومت هر جمعه به خیابان آمده و شعار مرگ بر خامنه‌ای و سرنگونی حکومت را سر داده‌اند.

این سفر خامنه‌ای بعد از ۲۱ سال از آخرین سفرش به سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۱ به شهر زاهدان انجام گرفت و طبق اخباری که رسانه‌های جمهوری اسلامی قبل از سفر به وی به این شهر تحت عنوان شوق دیدار با رهبری منتشر کرده‌اند، قرار بوده که

۲۰۰۰ نفر از به‌اصطلاح مردم سیستان و بلوچستان به دیدار خامنه‌ای بروند. این سفر از نظر ترکیب دیدارکنندگان با خامنه‌ای هم حقارت‌بار بود. رهبر یک حکومت مدعی اقتدار و کنترل بر فضای جامعه، جرئت حضور در میان مردم را ندارد و از قبل باید دستگاه‌های اطلاعاتی برای این نمایش، ۲۰۰۰ نفر از مزدوران و وابستگان به خود را دست‌چین و از فیلترهای اطلاعاتی - امنیتی عبور دهند.

این ناتوانی تمام دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و نظامی حکومت که حتی در میان خودی‌هایشان هم بیشتر از این نتوانستند نیرو جمع کنند و مهم‌تر از آن نگرانی‌شان از تأمین امنیت در حالی اتفاق افتاد که قبلاً برای سفر رؤسای جمهور و حتی وزرا و مقامات قضائی‌شان برای نشان دادن محبوبیت خود در به‌اصطلاح میان مردم به دولت‌های خارجی، با صرف هزینه‌های فراوان از تمام نقاط ایران وابستگان و مزدورانشان را از قبل به شهر مقصد سفر گسیل می‌کردند تا به‌عنوان مردم بومی در نمایش استقبال شرکت کنند. اما حالا دیگر آن توان گذشته را هم از دست داده‌اند. می‌توانند هزینه مالی کنند و طبق معمول گذشته به هر



سالگرد انقلاب و تشدید فشار جهانی بر حکومت
از صفحه ۵

سفر خامنه‌ای به سیستان و بلوچستان، نمایشی از وحشت
از صفحه ۱۳

سرکوبگران جنایت کار تنها " نه " می‌باشد" و در خاتمه تأکید کرده و می‌گویند: "در سالگرد انقلاب یاد جان‌باختگان جمعه سیاه و خدانور و خدانورها را گرامی می‌داریم. یاد سوختبران جان‌باخته‌ای که به جای نان گوله نصیبشان شد و یاد همه جان‌باختگان انقلاب را گرامی می‌داریم. همراه با دیگر خانواده‌های دادخواه و همه مردم در تمام شهرها به مبارزه بی‌امان خود ادامه می‌دهیم و فریاد می‌زنیم نه می‌بخشیم نه فراموش می‌کنیم".

این چنین است که حکومتیان چنین در وحشت هستند. خامنه‌ای می‌داند که حکومتش بر تبعیض و ظلم و جنایت استوار شده و ۴۴ سال است که انواع تبعیضات و ستم و جنایت را علیه مردم بکار گرفته است. او در سخنرانی‌اش در زاهدان فقط چند مورد از تبعیضات اعمال شده در مدت ۴۴ سال حاکمیتش بر مردم را نام برد. گفت که دشمن بر نقاط بحران‌زده مانند اختلافات قوی، مذهبی و زنان انگشت گذاشته و تحریک می‌کند! این یک اعتراف بر وجود تبعیضات در جامعه توسط بالاترین مقام حکومتی است که همیشه انکار کرده است. حکومتی که انسان‌ها را به‌خاطر داشتن عقاید متفاوت سرکوب و حتی اعدام می‌کند. مردم منتسب به قومیت‌ها را انسان‌های درجه دوم به حساب می‌آورد و به پهنانه‌های واهی مانند تجزیه طلب سرکوب می‌کند. حکومتی که زن را نیمه مرد به حساب آورده و به جرم داشتن رابطه جنسی، آزاد و خارج از ازدواج رسمی و مذهبی سنگسار کرده و برابری طلبان را زندانی و شکنجه کرده است.

دشمنی که خامنه‌ای از آن صحبت کرد، همین مردم ۹۰ میلیونی ایران هستند که می‌خواهند با سرنگون کردن جمهوری اسلامی تمام تبعیضات قومی، مذهبی، جنسی، جنسیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و غیره را از بیخ ریشه کن کنند.

انقلاب مردم با قدرت و پختگی و هوشیاری به پیش می‌رود و خامنه‌ای و همه سران و مقامات و مسئولین جنایت کار جمهوری اسلامی به‌زودی توسط مردم انقلابی به جرم ده‌ها سال جنایت علیه مردم ایران و کل بشریت، به پای میز محاکمه کشیده خواهند شد.*

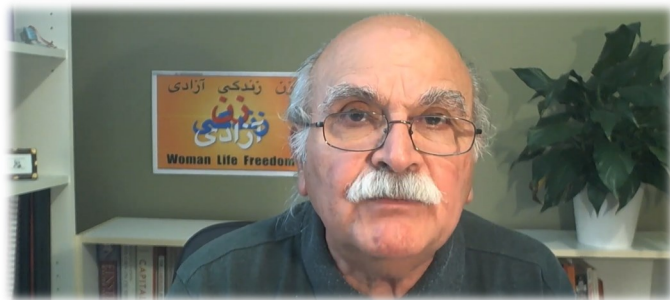
وامثال اینها، بازتاب‌های مشخصی از ماهیت بحران‌زای این حکومت است. افت‌وخیز در مناسبات بین‌المللی را شاهد خواهیم بود. اما هیچگاه این حکومت به‌صورت متعارف به صحنه بین‌المللی وارد نخواهد شد. دولت‌های ارتجاعی در سطح دنیا کم نیستند. اما این دولت‌ها ناچار می‌شوند که زیر فشار افکار عمومی کشورهایشان یا حتی به‌خاطر مصالح خود، با چنین حکومت توطئه‌گر و خطرناکی در بیفتند و دم آن را قیچی کنند و مانع بازی‌ها و توطئه‌های آن شوند.

تلاش ما به‌عنوان حزب کمونیست کارگری این است که جمهوری اسلامی همچون حکومت آپارتاید آفریقای جنوبی در سطح جهان منزوی و بایکوت شود و ایادی و نمایندگانش از نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان جهانی کار و سازمان ملل و سازمان‌های هنری و ورزشی و غیره اخراج شوند و دادگاه‌های بین‌المللی برای محاکمه سران به جریان بیفتند. شواهد و مدارک برای محاکمه سران این حکومت به جرم جنایت علیه بشریت بی‌نهایت است. بعلاوه امروز کسی نمی‌تواند ادعا کند که از کارنامه جمهوری اسلامی در پیمان‌کردن حقوق انسانی بی‌خبر بوده است. این حکومت همان گونه که عفو بین‌الملل در سال ۹۹ اعلام کرد ویران‌کننده انسانیت است و نباید جایی در جامعه بین‌المللی داشته باشد. امروز فضای بین‌المللی نسبت به قبل در این رابطه بسیار مهیتر است. اینکه چنین حکومتی بایکوت شود و نهایتاً از صحنه جهان جارو شود، به نفع همه مردم جهان است و باید این حقیقت را به همگان نشان دهیم.

فوران مجدد انقلاب زن زندگی آزادی می‌تواند فضا را به‌سرعت به سمت شرایط بایکوت جهانی حکومت اسلامی سوق خواهد داد و متقابلاً چنین تحولی به انقلاب قدرت بسیار بیشتری خواهد بخشید.*



سرنگون باد حکومت اسلامی



پیام به مردم قهرمان زاهدان!
متن کتبی پیام ویدئویی حمید تقوائی
(برای تماشای این برنامه بر روی عکس کلیک کنید)

به شما مردم آزاده و قهرمان زاهدان درود می‌فرستم.
امروز جمعه ۲۴ شهریور شما با تظاهرات پرشکوهِتان به استقبال
سالروز انقلاب زن زندگی آزادی رفتید.

زاهدان در یک سال گذشته، بعد از جنایت هولناک رژیم در جمعه
سیاه، یک جبهه مهم تداوم انقلاب بوده است. شما هر جمعه به
خیابان‌ها آمده‌اید و خشم و انزجار همه مردم ایران علیه جانان حاکم را
فریاد زده‌اید.

تظاهرات باشکوه امروز شما نقطه اوجی در این حرکت بود. شما در
صفوف هزاران نفره با شعار علیه خامنه‌ای قاتل و مزدوران سپاهی و
بسپچی، همه مردم ایران را نمایندگی کردید و با شعار "کرد بلوچ آذری،
آزادی و برابری" پرچم همبستگی و اتحاد همه مردم ایران را برافراشتید.

حرکت باشکوه امروز شما نمونه‌ای از اعتراضات و تظاهرات و
تجمعاتی است که فردا در سالگرد انقلاب همه شهرهای ایران را فرا
خواهد گرفت.

فردا روزی است که همه مردم، همه ما مردم تهران و زاهدان و
اصفهان و سنج و تبریز و سقز، و همه شهرها و همه محلات، به
خیابان‌ها می‌آییم و سالروز انقلاب را به فراز دیگری در مبارزه علیه
حکومت رو به سقوط جمهوری اسلامی تبدیل می‌کنیم.

فردا روز نمایش همبستگی پر قدرت ما مردم سراسر ایران علیه
حکومت تبهکار حاکم و برآمد دیگری در روند انقلاب زن زندگی آزادی
است.

پیروزی از آن ماست!

حمید تقوائی

۲۴ شهریور ۱۴۰۲، ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۳



**۲۵ شهریور روز بازایستادن همه چرخ‌ها و
تسخیر همه خیابان‌ها!**
متن کتبی پیام ویدئویی حمید تقوائی
به مناسبت سالروز انقلاب
(برای تماشای این برنامه بر روی عکس کلیک کنید)

۲۵ شهریور روز ویژه و مهمی در سیر انقلاب ما است. سال گذشته در
چنین روزی درخیمان حاکم ژینا مهسا امینی را به قتل رساندند و به دنبال
آن انقلاب عظیمی شکل گرفت، انقلاب زن زندگی آزادی که تا امروز در
عرصه‌های مختلف و به شیوه‌های گوناگون ادامه دارد و همه جهانیان را
به تحسین واداشته است.

روز سالگرد انقلاب می‌توانیم این حرکت عظیم را یک گام بزرگ به جلو
سوق بدهیم. با تسخیر خیابان‌ها، با تظاهرات‌ها و تجمعات خیابانی، با
گردهمائی بر سر مزار عزیزان جان‌باخته در آرامگاه‌ها، با شعاردهی‌های
شبانیه، با بی‌حجابی گسترده، با حضور بی‌حجاب در همه شهرها و
محلات، معابر و اماکن عمومی، خیابان‌ها و تظاهرات‌ها، با تمام این
شیوه‌ها می‌توانیم در سالروز انقلاب ضربه محکمی به حکومت در حال
سقوط جمهوری اسلامی وارد کنیم.

این روز بخصوص روز توقف همه چرخ‌ها است. روز دست از کار
کشیدن و تعطیلی عمومی. این روز را در ادای احترام به همه عزیزان
جان‌باخته دست از کار می‌کشیم و به تظاهرات و اعتراضات خیابانی
می‌پیوندیم. این روز باید بنام روز جان‌باختگان، نه فقط جان‌باختگان
انقلاب حاضر بلکه همه قربانیان رژیم جمهوری اسلامی، در تقویم و در
تاریخ ثبت بشود. ۲۵ شهریور امسال روز آغاز این حرکت است.

۲۵ شهریور روز بازایستادن همه چرخ‌ها و روز تسخیر همه خیابان‌ها
است.

تا کنون تشکل‌ها و نهادها و چهره‌های مبارزاتی متعددی برای این روز
فراخوان اعتراض داده‌اند. نهادها، کمیته‌ها و اتحادیه‌های و شوراهای
کارگری، تشکل‌های بازنشستگان، تشکل‌های زنان، تشکل‌های جوانان و
شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی، دادخواهان، فعالین جنبش
رنگین کمانی و شماری دیگر از فعالین و نهادها فراخوان اعتراضات
سراسری داده‌اند. حزب ما در کنار این فعالین و نهادها همه شما مردم
آزاده و به‌پاخاسته ایران را به اعتراضات و تظاهرات و اعتصابات
سراسری و همگانی در روز ۲۵ شهریور فرامی‌خواند.

با امید یک روز پرشکوه و کوبنده و یک گام بزرگ به جلو در انقلاب زن
زندگی آزادی.

پیروزی از آن ماست!

حمید تقوائی

۲۱ شهریور ۱۴۰۲، ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۳

اطلاعه‌های هفته اخیر

تجمعات بازنشستگان مخابرات در ۱۳ شهر
اتحاد اتحاد، علیه فقر و فساد

روز ۲۰ شهریور بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه‌های اعتراضی برای پیگیری مطالباتشان در مقابل شرکت‌های مخابرات در شهرهای مختلف تجمع کردند. شهرهایی که بازنشستگان مخابرات در این هفته تجمع داشتند عبارت‌اند از: زنجان، شیراز، شهرکرد، سنندج، تهران، اصفهان، اهواز، خرم‌آباد، بندرعباس، همدان، کرمانشاه، مشهد، و رشت.

در اهواز بازنشستگان مخابرات با راهپیمایی خود در شهر فضای پر شوری از اعتراض آفریدند. آنها شعار می‌دادند: "تورم گرانی بلای جان مردم"، "وزیر بی‌لیاقت خجالت، خجالت"، "وزیر بی‌لیاقت، عامل این خیانت!"، "سهام‌دار عمده حق ماها رو خورده!"، "نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت".

اعتراض در میان بخش‌های مختلف بازنشستگان علیه فقر و فساد و بی‌تامینی گسترده است. بازنشستگان مخابرات ضمن تأکید بر همسان‌سازی حقوق‌ها و افزایش سطح آن به بالای خط فقر سی‌میلیونی و درمان رایگان بر عدم اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدای سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی خود تأکید دارند. بازنشستگان با شعار لشکری، کشوری، اتحاد، اتحاد"، "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "درد ما درد شماسست مردم به ما ملحق شوید، اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" فراخوانشان به ۲۵ میلیون بازنشسته و کل جامعه، اعتراض علیه فقر و بی‌تامینی است. از مبارزات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت کرد.

در این روز همچنین کارگران پالایشگاه آدیش جنوبی در کنگان و شرکت جهان پارس در سایت یک پتروشیمی بوشهر در عسلویه در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی خود دست به اعتصاب زدند و تجمع کردند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت با درج خبر اعتراض کارگران جهان پارس می‌نویسد: "سطح نازل حقوق‌ها در برابر رشد نجومی قیمت‌ها یک موضوع اعتراض ما و ما مردم است. بعلاوه هنوز خواست‌های ما پاسخ نگرفته است. شورای سازماندهی از اعتراض همکاران خود در شرکت جهان پارس حمایت می‌کند.

آخرین خبر اینکه روز یکشنبه ۱۹ شهریورماه، عاطفه رنگرین، فعال حقوق زنان و از زندانیان سیاسی سابق، طی یک تماس تلفنی کوتاه از بازداشت و انتقال خود به زندان سمنان خبر داد. حکومت اسلامی از وحشت سریلند کردن دور قدرتمندتر انقلاب در آستانه سالگرد انقلاب و قتل مهسا، بردستگیری‌ها و سرکوبگری‌های خود گسترش داده است. اما جامعه ایستاده است. در فراخوان تأکید شده است: "دوباره به خیابان می‌آییم".

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ شهریور ۱۴۰۲، ۱۱ اوت ۲۰۲۳

تجمعات اعتراضی بازنشستگان کشوری و ادامه
اعتصاب ماشین‌سازی اراک

معلم زندانی آزاد باید گردد!

روز ۲۱ شهریور بازنشستگان کشوری شامل معلمان و بخش‌های دیگر کارکنان بازنشسته در اعتراض به گرانی و نازل بودن حقوق‌ها و برای پیگیری دیگر مطالباتشان در چندین شهر مقابل صندوق بازنشستگی تجمع کردند. این تجمعات از جمله در شهرهای کرمانشاه، خرم‌آباد، رشت، ایلام، سنندج، همدان، قزوین و قم برگزار شد. در خرم‌آباد یکی از معلمان بازنشسته بر اعتراضات وسیع‌تر برای پیگیری خواست‌هایشان و شرکت در اعتراضات ۲۵ شهریور سالروز انقلاب زن زندگی آزادی و گرامی‌داشت یاد مهسا امینی تأکید کرد و صحبت‌های او با کف‌زدن تجمع‌کنندگان مورد تأیید قرار گرفت. در کرمانشاه علیرضا گلی یکی از معلمان بازنشسته سخنرانی کرد. او در سخنانش از چند رکن اساسی جامعه از جمله آموزش و پرورش، کارگران، بهداشت، آموزش پزشکی و کشاورزی سخن گفت که هیچ جامعه‌ای بدون آنها قابل دوام نیست و تأکید کرد که اکنون کارکنان این ارکان مهم مورد تبعیض و ظلم هستند. همچنین از نقش پزشکان و پرستاران در دوره کرونا گفت و به اخراج بهترین نیروها از جمله پرستاران، پزشکان، اساتید دانشگاه و معلمان اشاره کرد و صحبت‌های او با کف‌زدن‌های پیوسته جمعیت همراهی می‌شد. سخنان او به طور واقعی بر همبستگی و همدردی اجتماعی بخش‌های مختلف معترض جامعه اشاره داشت.

در تجمعات این روز معلمان بازنشسته شعار می‌دادند: "تا حق خود نگیریم ساکت نمی‌نشینیم"، "معیشت، منزلت؛ حق مسلم ماست"، "تا حق خود نگیریم، آرام نمی‌نشینیم"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "گرانی تورم بلای جان مردم"، "اجرای هم‌طرزای حق مسلم ماست"، "دولت خیانت می‌کند مجلس حمایت می‌کند".

علاوه بر بازنشستگان در بخش‌های دیگر کارگری اعتراضات گسترده است. از جمله اعتصاب دو هزار کارگر ماشین‌سازی اراک در اعتراض به سطح نازل حقوق‌ها، طلب‌های مزدی و کار بردوار پیمانی و عدم پاسخگویی به خواست‌هایشان وارد سی و هفتمین روز شد. ماشین‌سازی اراک کارخانه‌ای قدیمی و با حدود دو هزار کارگر طرح و سازنده مجتمع‌های پتروشیمی، پالایشگاه‌های گاز، پالایشگاه‌های نفت، پل‌ها، نیروگاه‌های برق‌آبی، نیروگاه‌های بادی و کارخانجات سیمان در ایران و خاورمیانه است. اعتصاب این کارگران به دلیل نقش مهم آن در تولید، هزینه سنگینی بر دوش صاحبان کار و پیمانکاران مفت‌خور گذاشته است. کارگران اعلام کرده‌اند که تا به خواست‌هایشان پاسخ داده نشود به اعتصاب ادامه می‌دهند. حزب کمونیست کارگری از مبارزات این کارگران حمایت کرده و بر اتکای آنها بر مجمع عمومی به‌عنوان مکانی برای حفظ اتحاد و همبستگی مبارزاتی و رسانه‌های کردن هر روز اخبار اعتراضاتشان تأکید دارد.

با نزدیک شدن به سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و فراخوان‌های وسیع مردمی برای گرامی‌داشت آن، حکومت از وحشت بر آمد دوباره انقلاب با سراسیمگی بسیار بر دستگیری و سرکوبگری‌های خود شدت داده است. از جمله روز سه‌شنبه ۲۱ شهریور، ۳ تن از فعالان کارگری شهر سنندج به اسامی ربیوار عبدالمهی، فردین میری و اقبال شبانی به پلیس امنیت شهر سنندج احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفتند. این نهاد امنیتی نسبت به عدم شرکت در تجمعات اعتراضی این فعالان را مورد بازجویی قرار داده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ شهریور ۱۴۰۲، ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۳

زندانی سیاسی

آزاد باید گردد!

در همدردی با مردم سیل‌زده لیبی

سه روز از طوفان و سیل ویرانگر در شرق لیبی می‌گذرد. طوفانی که با شکستن دو سد بزرگ در اطراف شهر ۱۲۰ هزار نفری درنه، این شهر را تماماً ویران کرد. ابعاد مرگ و ویرانی و بیخانمانی دهشتناک است. تا همین جا ۱۱۳۰۰ کشته، ۱۰۰۰۰ مفقود و ۳۰ هزار بیخانمان گزارش شده است. برخی گزارش‌ها از فاجعه قربانی شدن بیش از ۲۰ هزار نفر خبر می‌دهند. ارقام همچنان در حال افزایش است.

هیچ کس تردید ندارد که فاجعه‌ای در این سطح طبیعی نیست. مسئول مستقیم ابعاد تکان‌دهنده مرگ و ویرانی حاصل از سیل در لیبی، باندهای فاسد و چپاولگر و مسلح اسلامی، ناسیونالیستی و قومی هستند که کشور را به شرق و غرب تقسیم کرده‌اند و هر کدام در قلمرو خود به تاخت‌وتاز و دزدی و قاچاق منابع سرشار نفت و چپاول ثروت مشغول هستند؛ باندهایی که در عین حال برای گسترش قلمرو قدرت و چپاول خود به جنگ و خونریزی مشغول‌اند و هر کدام از طرف چند دولت ارتجاعی و فاسدتر از خودشان حمایت می‌شوند.

همین سال گذشته، کارشناسان و متخصصین بارها در باره ناامن بودن دو سد ویران شده هشدار داده بودند که اگر اقدامات فوری برای تقویت و نگهداری سدها انجام نشود، در صورت وقوع سیلاب بزرگ عواقب فاجعه‌بار خواهد داشت. اما به جای تعمیر سدها، در متن فقر و فلاکت و تباهی حاصل از رقابت باندهای مسلح، محله‌های پرجمعیت و متراکم با مسکن‌های ناامن در اطراف هر دو سد شکل گرفتند که امروز اثری از آنها و انسان‌های فقرزده ساکن در آن محلات باقی نمانده است.

در این شرایط اسفناک، در مقابل ادامه رقابت خونین و نفرت‌انگیز باندهای حاکم مردم دست اتحاد به سوی همدیگر دراز کرده‌اند. صحنه‌های تحسین‌برانگیزی از تلاش جوانان در طرابلس را شاهد هستیم که چگونه تلاش می‌کنند کمک جمع کنند و برای کمک به بازماندگان سیل به شرق لیبی بروند.

همین لحظات باشکوه همبستگی مردم در مقابل رقابت خونین باندهای مرتجع گواه این حقیقت است که مردم لیبی برای رهایی از تکرار چنین لحظات غم‌بار، راهی جز همبستگی و مبارزه برای رهایی از باندهای تبهکار مسلط ندارند.

حزب کمونیست کارگری این فاجعه تکان‌دهنده را به مردم لیبی، به بازماندگانی که عزیزانشان را ازدست‌داده‌اند، صمیمانه تسلیت می‌گوید و عمیقاً با آنها احساس همدردی می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ شهریور ۱۴۰۲-۱۳ سپتامبر ۲۰۲۳



اعتصاب پرستاران بیمارستان کاشانی اصفهان، و انتقال جعفر ابراهیم‌زاده به بیمارستان به‌خاطر وضع وخیم جسمانی

روز چهارشنبه ۲۲ شهریور پرستاران بیمارستان کاشانی در اصفهان در اعتراض به سطح نازل حقوق‌ها، و عدم پرداخت کارانه‌ها و تعرفه‌گذاری‌ها، دست به اعتصاب و تجمع زدند. در همین رابطه قبلاً نیز پرستاران و کادر درمان بیمارستان الزهرا تجمع و اعتراض داشتند و با شعارهای "پرستار داد بزن، حقوق فریاد بزن". "نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم" فضایی از اعتراض آفریدند. بنا بر خبرهای منتشر شده تعرفه‌های پرستاری از سال گذشته تاکنون فقط یکبار پرداخت شده است و پرستاران با برپایی تجمع خواهان پرداخت فوری معوقات تعرفه خود هستند. در پنجم شهریور نیز پرستاران بیمارستان میلاد تهران، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و حق بیمه و همین‌طور مختل شدن مزایای درمان کارکنان، در بیمارستان دست به تجمع زدند. در این تجمع باشکوه حمایت مراجعین حاضر در بیمارستان از پرستاران معترض صحنه با شکوهی از همبستگی را به نمایش گذاشت و پرستاران معترض به وجود آمده و شعار می‌دادند: "بیماران، همراهان، حمایت، حمایت".

دور جدیدی از اعتراض در میان پرستاران و کادر درمان آغاز شده است. پرستاران و کارکنان بخش درمان یک بخش معترض و فعال در کمک‌رسانی در جریان انقلاب زن زندگی آزادی بودند. آنها همچنین در کوران بحران کرونا در جلوی صف جنگ با کرونا و حکومت کرونایی بودند و متأسفانه شماری نیز قربانی شدند.

پرستاران به سطح نازل حقوق‌ها، فشار سنگین کاری و اضافه‌کاری‌های اجباری، استاندارد پایین بهداشتی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و اخراج‌ها اعتراض دارند. از جمله از یک طرف بیش از ۵۰ هزار پرستار بیکارند و از سوی گزارشات از کمبود صدهزار پرستار در بیمارستان‌ها خبر می‌دهد. وضعیت معیشتی و کاری پرستاران نشانگر وضع اسفناک درمان و بیمارستان‌هاست و خواست‌های اعتراضی آنها به همه مردم مربوط است و باید از اعتراضاتشان وسیعاً حمایت کرد و صدای پرستاران را بازتاب گسترده داد.

بنا به خیر دیگری امروز جعفر ابراهیمی، معلم زندانی، به‌خاطر شرایط وخیم جسمی و تشدید بیماری در حالت بیهوشی از زندان قزل‌حصار به بیمارستان رجایی کرج منتقل شد. او مدتی است که به دلیل بیماری گوارشی و دیابت در وضعیت جسمی بدی به سر می‌برد و جانبان اسلامی از اعزام او به بیمارستان امتناع کرده‌اند. محرومیت زندانیان از درمان بخشی از سیاست سرکوب جمهوری اسلامی در زندان‌هاست. زندانیان دیگری چون رضا شهبازی و ارش جوهری نیز در وضعیت جسمانی ناچوری به سر می‌برند. این در حالی است که تماس تلفنی آنها با خانواده نیز قطع شده است و بنا بر خبرها در آستانه سالگرد انقلاب فشار بر روی زندانیان سیاسی در زندان‌ها در اشکال تبعید به زندان‌های دیگر و قطع تماس‌ها شدت گرفته است. یک گام مهم در گرامیداشت سالگرد انقلاب سردادن هر چه رساتر شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد است. با اعتراضات سراسری در زندان‌ها را بگشاییم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ شهریور ۱۴۰۲، ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۳

جمهوری اسلامی نابود باید گردد!

۲۴ شهریور: سرآغاز شعاردهی‌های شبانه به مناسبت سالگرد انقلاب

۲۴ شهریور: تظاهرات بزرگ مردم زاهدان یک روز مانده به سالگرد انقلاب

فردا سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی است و همه‌جا رنگ اعتراض را به خود گرفته است. سرکوبگران در هراس از سریند کردن قدرتمندتر انقلاب همه‌جا بسیج نیرو کرده‌اند. بنا بر گزارشات در بسیاری از محلات تهران و شهرهای کردستان و سیستان و بلوچستان مزدوران جمهوری اسلامی به‌وفور مستقر شده‌اند. به‌ویژه در شهر سقز و در اطراف آرامستان آچی مزار مهسا امینی نیروی سرکوب بسیاری مستقر هستند. بعلاوه رژیم برای جلوگیری از بازتاب اعتراضات مردمی اینترنت را به شدت ضعیف کرده است.

از سوی دیگر فشار به خانواده‌های دادخواه به‌ویژه خانواده مهسا امینی شدید است. از جمله یکی از نزدیکان مهساژینا امینی روز جمعه در گفتگو با رادیو فردا خبر داد که خانواده مهسا امینی هم‌چنان تحت فشار هستند تا از مردم بخواهند که برای سالگرد مهسا سر مزار او حاضر نشوند. امجد امینی پدر مهسا اعلام کرده است که مراسم را برگزار می‌کنیم.

در شب سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی شعاردهی‌های شبانه در محلاتی از تهران همچون اکباتان، تهرانپارس، چیتگر، سعادت‌آباد و جردن و در شهرهایی چون مهاباد، مریوان، سنندج، بانه، کرج، مشهد، ابدانان جریان یافته و فریاد مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای سر داده شده است. طبق گزارشات امشب در پیرانشهر رانندگان و مردم در اعتراض به مزاحمت‌های ایست بازرسی نیروهای سپاه در ورودی شهر پیرانشهر با بوق‌زدن‌های ممتد دست به اعتراض زدند. در مهاباد جوانان معترض با پخش سرودهای حماسی در محلات به استقبال سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی رفتند. امروز در زاهدان نیز تظاهرات بزرگ مردمی برپا شد و مردم با شعارهای ضد حکومتی و فریاد کرد بلوچ، آذری آزادی برابری، پیشتاز دور جدید انقلاب شدند. در مشهد در هراس از گردآمدن مردم، حکومت مسبرهای منتهی به مزار مجیدرضا رهنورد که به دست حکومت اعدام شد را مسدود کرده است.

در سنندج جوانان معترض با پخش نورهای رنگی و ترانه‌خوانی علیه حکومت و مزدوران حکومت دست به اعتراض زدند و در مریوان با روشن کردن آتش و چراغ‌های ماشین‌ها و بوق‌زدن ممتد اعتراض خود را اعلام کردند. امروز همچنین فراخوان‌ها برای گرامیداشت سالگرد انقلاب ادامه داشت. از جمله جمعی از فعالین جنبش زنان و دیگر جنبش‌های اعتراضی به مناسبت ۲۵ شهریور؛ پیامی دادند. در بخشی از این پیام آمده است: "اعلام می‌داریم که تا تغییر ریشه‌ای وضعیت ضدانسانی موجود، تا پیروزی کامل انقلابمان، و رهایی زنان و رهایی کل جامعه از نظام استعمار و سلطه مذهب، دست از دادخواهی و مبارزه در داخل و خارج کشور، برنداشته و هرگز عقب نمی‌کشیم." همچنین جمعی از فعالان اجتماعی تهران به مناسبت سالگرد انقلاب پیام داده و اعلام کردند: "۲۵ و ۲۶ شهریورماه، ساعت ۶ عصر، تهران، بلوار کشاورز تا میدان هفت‌تیر و محلات مبارز تهران." پیام دیگر از سوی گروه انقلابی دختران آفتاب ارومیه به اعتصاب و اعتراض در ۲۵ شهریور است. در این پیام آمده است: "مردم شریف و شجاع ایران بخصوص شهرهای ارومیه، ماکو، نقده، خوی، سلماس که ترکیب چند اتنیکیتی دارند فریب ترفند همیشگی حکومت که تفرقه بیندازد و حکومت کند را نخورید و متحد باشید. در ۲۵ شهریور به اعتصابات بپیوندید و ۲۶ شهریور نیز خیابان‌ها را تسخیر کنید. به امید پیروزی نور بر تاریکی." علاوه بر فراخوان‌ها پیام‌های بسیاری از سوی تشکل‌ها و نهادهای مردمی به مناسبت گرامیداشت سالگرد انقلاب و یاد مهسا امینی داده شده است. از جمله در ادامه پیام‌های گزارش شده قبلی کانون نویسندگان ایران، ندای زنان ایران و شمار زیادی از فعالین دفاع از حقوق زن و فعالین اجتماعی طی پیام‌های پرشوری سالروز انقلاب را گرامی داشتند. زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ شهریور ۱۴۰۲، ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۳

امروز جمعه ۲۴ شهریور یک روز قبل از سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی جمعیت بزرگی از مردم در شهر زاهدان به خیابان آمدند و فریاد مرگ بر دیکتاتور سر دادند. مردم شعار می‌دادند: "کرد، بلوچ آذری، آزادی و برابری"، "این حکومت باطله سپاه خودش قاتله"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "زندانی سیاسی آزادی باید گردد".

بزه‌های متعددی با مضمون همبستگی مبارزاتی مردم در انقلاب توجه‌ها را به خود جلب می‌کرد. از جمله بر روی بنرها نوشته شده بود: "حمله به کردستان، حمله به بلوچستان است"، و "دریاچه ارومیه را چون دریاچه جازموریان نابود کردند". مردم پاسخ مانور انزجارآور خامنه‌ای و سفرش به منطقه سیستان و بلوچستان را با شعار "مرگ بر خامنه‌ای" و "مانور اراذل‌واوباش دیگر کارساز نیست" دادند.

گفتنی است که دادخواهان سیستان و بلوچستان قبلاً در بیانیه خود به مناسبت سالگرد انقلاب نوشتند: "ما به کمتر از محاکمه همه آمرین و عاملین کشتار عزیزانمان رضایت نخواهیم داد و همانطور که در کف خیابان فریاد زدیم: از کردستان تا تهران اتحاد اتحاد. اینک نیز پاسخ متحدانه ما به سرکوبگران جنایت‌کار تنها " نه " می‌باشد. در سالگرد انقلاب یاد جان‌باختگان جمعه سپاه و خدانور و خدانورها را گرامی می‌داریم. یاد سوخت‌بران جان‌باخته‌ای که به‌جای نان گلوله نصیبشان شد و یاد همه جان‌باختگان انقلاب را گرامی می‌داریم. همراه با دیگر خانواده‌های دادخواه و همه مردم در تمام شهرها به مبارزه بی‌امان خود ادامه می‌دهیم و فریاد می‌زنیم".

راهپیمایی بزرگ امروز مردم زاهدان پاسخ درخوری به حکومت جنایت‌کار اسلامی است که فضای جامعه پر التهاب کنونی در آستانه سالگرد انقلاب را بازتاب می‌دهد.

حکومت اسلامی پاسداران و لشکریان منفور و مزدورش را در همه‌جا مستقر کرده است تا مانع انفجار خشم مردم شود. اما ادامه انقلاب و فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی پاسخی درخوری است که تحویل خواهد گرفت.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ شهریور ۱۴۰۲، ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۳

به حزب کمونیست کارگری
ایران بپیوندید!



۲۵ شهریور: تجمعات و شعاردهی‌های شبانه

در شهرهای متعدد

امشب ۲۵ شهریور در اولین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی، علی‌رغم فضای نظامی و تهدیدات و قرق کردن محلات و میدان‌ها توسط مزدوران حکومت اسلامی، شهرهای مختلف کشور صحنه تجمعات و شعاردادن علیه جمهوری اسلامی بود.

در تهران در قلعه حسن خان تظاهرات و شعاردادن با شرکت شمار قابل‌توجهی از دختران و پسران جریان یافت. در مناطق مختلفی از تهران همچون چیتگر، اکباتان، سعادت‌آباد، فردیس، دروازه تهران، و شریعتی، شعاردهی‌های شبانه علیه جمهوری اسلامی و فریاد مرگ بر دیکتاتور طنین انداخته است. در شهرک چیتگر مردم شعار می‌دادند: "مرگ بر خامنه‌ای"، "خامنه‌ای ضحاک می‌کشیم زیر خاک" و در غرب شهر تهران شعار "مرگ بر سپاهی آدم‌کش"، "مرگ بر دیکتاتور" طنین انداخته بود.

در رشت زنان و جوانان شهر به خیابان آمدند و با کف‌زدن و شادی شعار آزادی، آزادی، آزادی سر دادند. خودروها نیز با بوق ممتد ماشین‌ها با جمعیت همراهی می‌کردند. در شهرکرد تجمع کنندگان شعار می‌دادند: "توپ تانک فشفشه آخوند باید گم بشه"، "مرگ بر دیکتاتور"، و "ما همه با هم هستیم".

در سمنان جوانان مبارز و انقلابی در محله حسن‌آباد به خیابان آمدند، آتش روشن کردند و شعار مرگ بر دیکتاتور بر فضای شهر طنین انداخت. در مشهد در پارک ملت مردم جمع شده و شعار می‌دادند: "امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه".

در اراک جمعیتی از جوانان و مردم به خیابان آمده و با کف‌زدن و سوت کشیدن شعار می‌دادند: "امسال سال خونه، سیدعلی سرنگونه"، "مرگ بر دیکتاتور"، و "مرگ بر خامنه‌ای".

در کرمانشاه جوانان و مردم معترض به خیابان آمدند و با نیروهای سرکوب درگیر شدند. درگیری‌ها به خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف و به بازار روز کشیده شد و با تاریک شدن هوا درگیری‌ها بیشتر شد. فضای شهر به شدت ملتهب است. جوانان به سوی نیروهای سرکوب سنگ پرتاب می‌کنند و نیروهای یگان ویژه زیر حملات جوانان عقب رانده شدند. در کرمان فضای شهر به شدت امنیتی بود و مردم با روشن کردن چراغ ماشین‌ها و بوق ممتد در خیابان‌ها، انقلاب را فریاد می‌زدند.

در گرگان در خیابان خرم تا کشتارگاه مردم به خیابان آمده و شعارهای ضد حکومتی می‌دادند. جوانان در آبدانان نیز به خیابان آمده و علیه حکومت شعار می‌دادند. سرکوبگران به سوی جمعیت تیراندازی کردند و برق شهر قطع است. در لاهیجان تعدادی از جوانان در خیابان و شعار می‌دادند: "سید علی بی‌ریشه، خیزش تمام نمیشه". در این شهر نیز نیروهای سرکوب به مردم معترض حمله‌ور شدند.

در زاهدان شماری از جوانان به خیابان آمده و شعار می‌دادند: "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر ستمگر".

علاوه بر این شهرها در مناطقی چون جونقان، گوهردشت کرج و ایذه شعاردهی شبانه برقرار بود. در کرج شعار می‌دادند: "این همه سال جنایت مرگ بر این ولایت". در ایذه جوانان به خیابان آمده و شعار اعتراضی می‌دادند.

بنا بر گزارشات در سقز یکی از معترضین به نام فردین جعفری که در راه آرامستان ایچی با شلیک مستقیم سرکوبگران جنایت‌کار حکومت به شدت زخمی شده بود بعد از چند ساعت در بیمارستان شفا در این شهر علی‌رغم تلاش پزشکان جان باخت. جان‌باختن فردین جعفری را تسلیت می‌گوییم. به دنبال جان‌باختن فردین جعفری سرکوبگران جمهوری اسلامی خانواده وی را تحت فشار سنگینی قرار دادند تا اعلام کنند که پیشمرگه‌های احزاب گردستانی به سوی وی تیراندازی کرده‌اند. اما مردم قاتل فردین جعفری را می‌شناسند و شهر ملتهب و یکپارچه خشم و

اعتراض است. همچنین گزارش‌های شبانه از تیراندازی به سوی مردم معترض در محله بهارستان بالا (حمال آباد) خبر می‌دهد و ده‌ها پهپاد شناسایی هم‌اکنون بر فراز شهر سقز در حال گشت‌زنی هستند.

آخرین خبر اینکه سیزده زندانی تبعید شده به زندان قزل‌حصار در همراهی با انقلاب و حمایت از اعتراضات مردمی در ایران از صبح امروز به مدت سه روز دست به اعتصاب غذا زدند. این زندانیان در دوازدهم شهریور از اوین به قزل‌حصار تبعید شده بودند و اسامی آنها عبارت‌اند از: سعید ماسوری، جعفر ابراهیمی، کامیار فکور، لقمان امین‌پور، افشین بایمانی، سپهر امام‌جمعه، زرتشت احمدی‌راغب، محمد شافعی، سامان صیدی (یاسین)، حمزه سواری، احمدرضا حائری، رضا سلمان‌زاده، و مسعودرضا ابراهیمی‌نژاد.

بدین ترتیب ۲۵ شهریور ۱۴۰۲ روز فوران مجدد انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی بود. مردم همان‌گونه که اعلام کرده بودند دوباره وسیعاً در شهرهای بسیاری به خیابان آمدند و عزم راسخ خود را برای پایان‌دادن به بساط توحش و بربریت حاکم اعلام داشتند.

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ شهریور ۱۴۰۲، ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳

مذهب فقط جهل نیست. خرافه نیست. فقط موعظه بی‌پایه و

بی‌اساس نیست. مذهب یک سیستم تعصب پراکنی، تفرقه

گستر، تسلیم‌طلبی، خشونت و جنایت است. با مذهب

می‌شود منطق انسانی را از آدم‌ها گرفت. انسان‌ها را تبدیل به

گرگ‌های درنده شبیه داعش و خلخال و لاجوردی کرد. زنان

یعنی نیمی از انسان‌ها را از رده انسانی خارج کرد و مورد

تبعیض و ستم و توحش قرار داد، با مذهب می‌شود چشم‌ها را

بست و عقل و شعور آدم‌ها را از آن‌ها گرفت. با مذهب می‌شود

جنگ و کشتار و آدم‌کشی را به لذت تبدیل کرد. با مذهب

می‌شود فقر و استثمار و محرومیت را مشیت الهی قلمداد کرد. با

مذهب می‌شود دشمنان مردم را دوست و دوستان مردم را

تبدیل به دشمن کرد. با مذهب می‌شود مردم محروم را به دنبال

چپاول گران زندگی‌شان بسیج کرد و به حرکت در آورد. به

دنبال برده‌داران، به دنبال فتودال‌ها و زمین‌داران و اشراف و به

دنبال سرمایه‌داران و مفت‌خوران.

این کارکرد مذهب است که باعث می‌شود کمونیست‌ها مخالف

جدی مذهب باشند.

(از مقاله کمونیسم و مذهب)

موج تازه انقلاب زن زندگی آزادی آغاز شد اعتصاب عمومی سراسر کردستان را فراگرفت

از بامداد صبح ۲۵ شهریور موج اعتصابی قدرتمند سراسر کردستان و برخی شهرهای دیگر را فراگرفت. کسبه و بازاریان حداقل ۱۵ شهر سقز، سنندج، مهاباد، پیرانشهر، بانه، کامیاران، مریوان، بوکان، دیواندره، اشنویه، ایلام، دهگلان، کرمانشاه، ارومیه و میاندوآب دست به اعتصاب زدند و در ابعاد بی‌سابقه‌ای مورد حمایت مردم قرار گرفتند. این اعتصاب جواب قاطع مردم به حکومت اسلامی بود که با دستگیری‌ها و احضارها و تهدیدهای گسترده تلاش کرد جلو اعتصاب را بگیرد. این اعتصاب که به فراخوان تعدادی از احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون از جمله حزب کمونیست کارگری صورت گرفت، توده‌ی بزرگی به سران حکومت اسلامی و شکست بزرگ دیگری برای آنها بود.

از عصر روز جمعه ۲۴ شهریور ۱۴۰۲ مردم مبارز و انقلابی شهرهای کردستان مشعل سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی را با سردادن شعارهای "مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر دیکتاتور و زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی" در شهرهای، سقز، پیرانشهر، مهاباد، مریوان، سنندج، دهگلان، دیواندره، بوکان بانه، کامیاران، روانسر و اشنویه را بلند کردند. شعاردهی‌های شبانه و بوق ممتد اتومبیل‌ها در خیابان‌ها، بار دیگر شیپور رفتن به مصاف با قاتلان اسلامی را به صدا درآورد. این در حالی است که مزدوران حکومت اسلامی از چند روز مانده به ۲۵ شهریور با سنگربندی خیابانی، با گذاشتن مراکز ایست بازرسی بین شهرها، با کسب نیروهای نظامی به شهرهای کردستان و قرق خیابان‌ها و میادین شهرها به‌ویژه شهر سقز توسط یگان ویژه و نوپو و موتورسواران تفنگ به دست و لباس شخصی‌های اجیر شده تمام تلاش خود را بکار انداختند تا مردم را مرعوب کنند و مانع اعتصاب و تحرک مردم شوند.

مزدوران حکومت اوایل بامداد امروز ۲۵ شهریور، امجد امینی پدر مهسا را به‌مجرد خارج‌شدن از خانه بازداشت کردند. جنایت‌کاران در هراس از واکنش تند و خشم مردم سقز او را آزاد کردند؛ اما کل خانواده را در حبس خانگی نگه داشتند و اطراف منزل این خانواده و مسیرهای منتهی به آرامستان آچی را نظامی کردند. حتی دریچه سد چراغ ویس را باز کردند که با افزایش آب رودخانه مردم نتوانند از مسیرهای فرعی نیز خود را به آرامستان آچی برسانند.

در تهران و بسیاری از شهرهای دیگر نیز زنان و جوانان انقلابی از چند هفته مانده به سالگرد انقلاب، درودیوار شهرها را از شعار پر کردند و عصر روز جمعه مردم و جوانان انقلابی با شعاردهی‌های شبانه به استقبال سالگرد انقلاب رفتند. بیانیه‌های متعدد و پرشور دانشجویان، زنان، کارگران و باننشستگان، نویسندگان و خانواده‌های دادخواه نیز عرصه دیگری از تحرک فعالین انقلاب و فضای پر تحرک و انقلابی در سراسر کشور را نشان می‌داد.

امروز ۲۵ شهریور روز درخشانی دیگری در تاریخ انقلاب شکوهمند مردم ایران رقم خورد. سران جنایت‌کار حکومت باید بدانند، علی‌رغم تمامی تدابیر امنیتی، دستگیری و بازداشت، کنترل و بازرسی و اذیت و آزار خانواده‌های جان‌باخته و میلیتاریزه کردن شهرهای کردستان، موج دوم انقلاب از سنندج تا تهران و از زاهدان تا آذربایجان، برای به زیر کشیدن قاتلان اسلامی سریند کرده است.

حاکمان اسلامی و نیروهای سرکوبگر آن رعشه سرنگونی را بر پیکر منحوس و فرتوت خود به‌خوبی احساس کرده‌اند. این مصاف بین مردم و رژیم، در اشکال و قامتی متحد، همبسته و سازمان‌یافته و با قدرت هرچه‌تمام‌تر تا سرنگونی این حکومت درمانده و زخم‌خورده به راه خود ادامه خواهد داد.

یاد ژینا و همه جان‌باختگان گرامی باد

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی

سرنگون باد حکومت جهل و جنایت اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ شهریور ۱۴۰۲، ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳

احضار پدر مهسا به رژیم درمانده کمکی نخواهد کرد!



امجد امینی، پدر مهسا (ژینا) امینی، روز دوشنبه ۲۲ شهریور به اداره اطلاعات سقز احضار شده و یک ساعت تحت بازجویی قرار گرفته است تا از برگزاری مراسم سالگرد جان‌باختن مهسا صرف‌نظر کرده و اطلاعیه‌ها را در خصوص برگزاری مراسم را تکذیب کند. بازجویان اداره اطلاعات سقز جنایت‌کارانه امجد امینی را تهدید کرده‌اند که در صورت هرگونه «فعالیت، مصاحبه و سخنی» از سوی او و خانواده‌اش در خصوص سالگرد ژینا، «فرزند دیگرش اشکان بازداشت خواهد شد!»

پاسخ این تهدیدات جنایت‌کارانه حضور هر چه توده‌ای‌تر و وسیع‌تر مردم بر مزار مهسا در روز ۲۵ شهریور است. رژیم می‌داند که مردم در سقز و کردستان و سراسر کشور تدارک وسیعی را به مناسبت سالروز انقلاب شروع کرده‌اند. می‌داند که اعتصاب عمومی یکپارچه‌ای در راه است و جلویش را نمی‌تواند بگیرد. می‌داند که مراسم بزرگ مهسا به نقطه عطف دیگری در تداوم انقلاب تبدیل خواهد شد. در نتیجه تمام تلاشش را بکار انداخته تا با تحت فشار قراردادن خانواده این جان‌باخته عزیز برگزاری مراسم توسط خود خانواده لغو شود. اما در این تلاش نیز ناکام ماند و خانواده مهسا (ژینا) اعلام کردند که مراسم سالگرد مهسا را برگزار خواهند کرد.

سقز به یک مرکز مهم سالروز انقلاب تبدیل شده و حکومت از جمعیت چه در خیابان چه بر مزار مهسا وحشت دارد. مقامات حکومت پیش خود حساب کرده‌اند اگر جلو جمعیت را نگیرند بار دیگر شعله‌های انقلاب همه‌جا را فراخواهد گرفت و اگر زود و خورده‌ای با مردم صورت گیرد و دست به جنایت دیگری بزنند به جرقه‌ای در انبار باروت خشم مردم تبدیل می‌شود. بعلاوه سقز تنها نیست. انقلاب سراسری است محدود به یک شهر و یک استان نیست. ترس سران رژیم واقعی است. موج تازه قدرتمند انقلاب در سقز و کردستان و سراسر کشور در راه است. مردم مبارز کردستان با اعتصاب قدرتمند خود و با حضور گسترده خود بر مزار مهسا و در خیابان‌های شهرها پاسخ اذیت و آزار و تهدید خانواده‌های جان‌باخته را به رژیم درمانده و بی‌ابروی حکومت خواهند داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ شهریور ۱۴۰۲

۱۲ سپتامبر ۲۰۲۳

مردم سوئد قرارداد Tidö را به آشغالدانی می اندازند!



اتحادیه آکادمیک SSR، رسماً اعلام کرده‌اند که این پیشنهاد را به سطل زباله بیندازید: "Lägg förslaget i papperskorgen"

ما به همراه ده‌ها سازمان، اتحادیه و مردم آزاده و انسان‌دوست اعلام می‌کنیم که این طرح باید به آشغالدانی انداخته شود و احزاب حامی آن به دلیل این جسارت بی‌شمانه از جامعه سوئد عذرخواهی کنند. ما خواهان این هستیم که به این شرایط وحشتناک غیرانسانی پناهجویان مخفی و بدون مدرک پایان داده شود. باید به همه پناهجویان حق اقامت داده شود تا از شرایط غیرانسانی موجود به یک زندگی نرمال برگردند.

حزب کمونیست کارگری ایران - کمیته اسکندیناوی

۱۵ سپتامبر ۲۰۲۳

اسماعیل عبدی به مرخصی آمد او باید بدون قید و شرط آزاد شود

اسماعیل عبدی، دبیر سابق کانون صنفی معلمان تهران بعد از سال‌ها حبس به مرخصی آمد. اسماعیل عبدی زیر فشار خانواده و کارزاری گسترده برای آزادی معلمان در بند به مرخصی آمده است. او باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. به اسماعیل عبدی خوش آمد می‌گوییم که فرصتی شده تا در کنار خانواده باشد و در خوشحالی خانواده وی برای این دیدار شریکیم.

عبدی ۱۹ آبان ۱۳۹۵ بازداشت و در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران به شش سال حبس تعزیری محکوم شد. سپس در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ و در آستانه اتمام شش سال حکم حبس پیشین خود و درست هنگامی که برای تمدید مرخصی منتهی به آزادی‌اش به دادسرای اوین مراجعه کرده بود، بار دیگر بازداشت و به زندان بازگردانده شد. حبس مجدد او بابت پرونده‌ای بود که در سال ۱۳۸۹ در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست یحیی پیرعباسی برای او تشکیل شده بود. دادگاه بدوی عبدی را بابت اتهام "تبلیغ علیه نظام" به یک سال حبس و بابت اتهام "افشای اطلاعات امنیتی" به ۹ سال حبس محکوم کرد که این حکم در نهایت در دادگاه تجدیدنظر عیناً تأیید شد؛ اتهاماتی که اسماعیل عبدی بارها در دادگاه آنها بی‌پایه خوانده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ضمن گزارش خبر مرخصی اسماعیل عبدی از زندان بر مختومه شدن پرونده اسماعیل عبدی و همه معلمان زندانی و فعالین اجتماعی در سراسر کشور تأکید کرده است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی هم‌صدا با شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان بر آزادی بدون قید و شرط اسماعیل عبدی و دیگر معلمان زندانی و کارگران در بند و همه زندانیان سیاسی تأکید دارد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران

<https://free-them-now.com/>

shahla.daneshfar2@gmail.com

۲۱ شهریور، ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۳



احزاب تشکیل‌دهنده دولت سوئد حول قرارداد Tidö توافق کرده‌اند که آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه را از همان حداقل‌های ناچیزی که امروز دارند، محروم کنند. آنها می‌خواهند دسترسی پناهجویان بدون مدرک را از درمان، مدرسه و کمک‌های ناچیز فعلی به طور کامل قطع کنند. این طرح پیشنهادی از طرف حزب راسیستی «دموکرات‌های سوئد» مورد توافق دیگر احزاب تشکیل‌دهنده دولت قرار گرفته و قرار است مسئولین ادارات را وادار کنند که پناهجویان بدون مدرک را به پلیس و اداره مهاجرت معرفی نمایند.

این یک سیاست فاجعه‌بار برای جامعه سوئد است. این طرح فقط ضدیت با پناهجویان نیست؛ بلکه حمله‌ای آشکار و بی‌شمانه از جانب احزاب راست حاکم به ارزش‌های انسان‌دوستانه جامعه است. این طرح شبیه طرح نازی‌های آلمان است که مردم را موظف کرده بودند یهودی‌های مستأجر و همسایه‌هایشان را به نازی‌ها لو بدهند. در سال‌های اولیه حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران هم تحت عنوان طرح مالک و مستأجر، حکومت از مالکان می‌خواست که مستأجران خود را که مشکوک به فعالیت سیاسی علیه حکومت هستند به سپاه پاسداران و ارگان‌های امنیتی حکومت لو بدهند. تعدادی از مردم فریب خوردند و یا به دلیل ترس، مستأجران خود را لو دادند. تعدادی از فعالین سیاسی به این طریق به زندان افتادند و شکنجه و اعدام شدند. افرادی که شریک جنایات جمهوری اسلامی قرار گرفتند بعداً متوجه اقدام خود شدند و تا آخر عمر مورد شکنجه روحی قرار گرفتند و زندگی‌شان نابود شد. Tidö نیز طرحی در ردیف همین سیاست‌های حکومت‌های سرکوبگر و مستبد است.

شرم آور است که در قرن بیست و یکم تعدادی از احزاب پارلمان کشوری که مردمش به انسان‌دوستی مشهور بوده‌اند، می‌خواهد کارمندان را موظف به جاسوسی علیه محروم‌ترین بخش این جامعه بکند تا فردا یک مادر حامله جرئت نکند برای زایمان به بیمارستان مراجعه کند، کودکان معصوم و بی‌پناه از ترس لورفتن والدینشان و دیپورت به مدرسه نروند، پناهجویان بیمار به بیمارستان مراجعه نکنند و از هر نوع خدمات اجتماعی و پزشکی محروم شود.

دولت قصد دارد کارمندان را در مجازات جمعی پناهجویان شریک کند. قرار است وظیفه قبیح جاسوسی را از کارمندان طلب کند. این اقدامی علیه همه استناداردهای اخلاقی و انسانی در جامعه و علیه همه شهروندان و ارزش‌های این جامعه است و مقدمه حملات به مراتب خطرناک‌تر به جامعه سوئد است.

این سیاست ضدانسانی دولت طی همین مدت کوتاه با موجی از اعتراض و انزجار مواجه شده است. مردم این سیاست راسیستی و ضدانسانی و دون‌شان انسان را نمی‌پذیرند و در تظاهرات‌هایی که در استکهلم، گوتنبرگ و مالمو برگزار شده است، اعلام کرده‌اند این قرارداد را پاره کنید، ده‌ها اتحادیه و سازمان حقوق بشری با صدایی بلند گفته‌اند ما این قرارداد را نمی‌پذیریم. "Det kan vi aldrig acceptera" اتحادیه ساکو، اتحادیه معلمان سوئد و

بیانیه کمپین برای آزادی کارگران زندانی سالروز انقلاب، سالروز دادخواهی مردم ایران

۲۵ شهریور سالروز گرامیداشت انقلاب زن زندگی آزادی و یاد مهسا امینی نماد این انقلاب است. انقلابی که با قتل مهسا امینی به دست جانیان اسلامی فوران پیدا کرد و مردم خشمگین از ۴۴ سال فقر و بردگی به خیابان آمدند و فریاد سرنگونی حکومت را سر دادند. انقلاب علیه تبعیض علیه زن، فقر و بی‌تامینی و بساط چپاول و سرکوب حکومت خود را در سه کلمه زن زندگی آزادی بیان کرد و توانست وسیع‌ترین حمایت‌های جهانی را همراه کند.

اکنون در یک‌سالگی انقلاب بخش‌های مختلف جامعه با بیانیه‌ها و فراخوان‌هایشان از آمدن دوباره به خیابان و پایان دادن به کار حکومت و رسیدن به فردای پیروزی سخن می‌گویند. از جمله شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی، هشت تشکل از کارگران، دادخواهان و فعالین دفاع از حقوق زن، دادخواهان سیستان و بلوچستان و ال جی پی تی‌ها و تشکل‌های دیگر به مناسبت سالگرد انقلاب و قتل مهسا امینی بیانیه داده و از مردم خواسته‌اند که در ۲۵ شهریور با تعطیلی کار و حضور گسترده در خیابان‌ها و با اعلام اعتصاب و تجمع بر مزار مهسا امینی، شروع دوباره‌ای را در روند انقلاب خود رقم بزنند. در این بیانیه‌ها بر گردآمدن حول منشور خواست‌های حداقلی بیست تشکل تأکید شده است. منشوری که محتوای انقلاب را بازتاب داد و با بیان روشن خواست‌های حداقلی مردم در عرصه‌های مختلف می‌تواند پلاتفرم مبارزات متحد صفوف مردم علیه حاکمیت باشد. در این منشور اعلام شده بود که این انقلاب می‌خواهد به بیش از صدسال استثمار و بردگی پایان دهد و نقطه پایانی باشد برای تصمیم‌گیری از بالای سر مردم و بر شوراها تأکید کرد.

جمهوری اسلامی سرکوب و جنایت بسیاری کرد تا انقلاب را عقب زند. اما اکنون در یک‌سالگی انقلاب اعتراضات در جامعه از کف خیابان‌ها تا درون زندان‌ها گسترده است. بخش‌های مختلف بازنشستگان در اعتراضات هفتگی خود خیابان‌ها را به صحنه اعتراض خود تبدیل کرده و مردم را به اتحاد علیه فقر و فساد فرامی‌خوانند. فضای مراکز نفتی ملت‌هت است و در مرکز بزرگی چون ماشین‌سازی اراک دو هزار کارگر یک ماه است که در اعتصاب هستند. در برابر چنین سیل بنیان‌کنی که به حرکت درآمده است حکومت نیروی سرکوبش را در شهرهای مختلف مستقر کرده و بر دستگیری‌ها و سرکوبگری‌هایش را شدت داده است. اما مردم ایستاده‌اند و از تداوم اعتراضاتشان سخن می‌گویند.

انقلاب در ایران توانسته است توجه وسیع افکار جهانی را به خود جلب کند. عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای در سی مرداد که علیه فشار به خانواده‌های جان‌باختگان صادر کرده خواهان بازداشت مقامات جمهوری اسلامی شده و از همه دولت‌ها خواسته است که از "صلاحیت قضایی جهانی" استفاده کنند و برای مقامات جمهوری اسلامی "از جمله آن‌هایی که مسئولیت فرماندهی دارند" و "مظنون به مسئولیت کیفری برای جنایاتی هستند که بر اساس قوانین بین‌المللی در جریان خیزش و یا پس از آن مرتکب شده‌اند، حکم بازداشت صادر کنند". این بیانیه خواستار فشار جهانی به حکومت اسلامی برای دست برداشتن از بازداشت و تهدید خانواده‌های دادخواه، لغو محکومیت‌ها و احکام ناعادلانه و آزادی همه کسانی شده است که به دلیل دفاع از حقیقت و عدالت در زندان هستند. کنگره نمایندگان آمریکا قانونی بنام قانون مهسا را با اکثریت قاطع نمایندگان هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه تصویب کرده که سران حکومت اسلامی را محکوم و تحریم می‌کند. اتحادیه‌های کارگری متعددی جمهوری اسلامی را به خاطر نقض پایه‌ای‌ترین حقوق کارگران و مردم محکوم کرده‌اند.

امروز مردم ایران به بیشترین حمایت‌های جهانی نیاز دارند. در جریان این

انقلاب و یک سالی که گذشت حکومت اسلامی جنایت‌ها کرده است. بنا بر گزارشات از ۲۶ شهریور تا ۲۰ دی ۱۴۰۱، ۵۴۰ نفر با گلوله حکومتیان به قتل رسیدند که ۷۴ نفر آنها کودک بودند و بیشترین قتل‌ها در استان‌های سیستان و بلوچستان، و کردستان صورت گرفته است. بعلاوه هزاران نفر دستگیر و زندانی شده‌اند. این حکومت با شلیک مستقیم به چشم معترضین شمار زیادی را نابینا کرد. زندانیان را زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار داد. آنها را مورد تجاوز و اذیت و آزار قرار داد. دارو و درمان را از آنها قطع کرد. زندانیان را روانی خواند و داروهای روان‌درمان به آنها داد تا جایی که بعضاً بعد از آزادی زندانبانی دست به خودکشی زدند و در واقع به قتل رسیدند. ۷ نفر تنها به جرم اعتراض اعدام شدند و بعد از فروکش کردن اعتراضات در کف خیابان نیز کشتارها ادامه یافت. اکنون هم با نزدیک شدن سالگرد انقلاب سرکوب‌ها شدت گرفته است. حکومت با استقرار نیروی سرکوب فراوان در شهرها حالت حکومت‌نظمی برقرار کرده است. تعداد زیادی از معلمان، فعالین کارگری، فعالین زن، دانشجویان و استادان، وکلاء، پزشکان، هنرمندان و سینماگران، و اکتیویست‌های بخش‌های مختلف جامعه تحت پیگرد قرار گرفته و برایشان پرونده‌های امنیتی تشکیل شده و احکام اخراج از کار و انفصال از خدمت و زندان گرفته‌اند. خانواده‌های دادخواه نیز زیر فشار سنگینی هستند تا مراسم یادمان عزیزانشان را برگزار نکنند. از جمله امجد امینی پدر مهسا را که گفته بود مراسم برگزار می‌کنیم، احضار و تهدید کردند و دادخواهان با شعار "قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان" و با فراخوانشان پاسخ محکمی داده‌اند. بعلاوه زندان‌ها از معترضین پر است و هم اکنون تعداد بسیاری از فعالین کارگری و معلمان و مردم معترض در زندان‌اند و فشار در زندان‌ها نیز فزونی یافته است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی هم‌صدا با همه مردم ایران سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی یاد مهسا امینی را گرامی می‌دارد. کمپین از همه نهادهای کارگری و انسان‌دوست در سراسر جهان می‌خواهد که در این مقطع حساس تاریخی بیش از پیش همراه و حامی مردم ایران و انقلاب آنها برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی باشند. کمپین بر یک اعتراض سراسری در ایران و در جهان بر آزادی تمامی زندانیان سیاسی، توقف سرکوبگری‌های حکومت و اعدام‌ها تأکید دارد. بایکوت جهانی جمهوری اسلامی یک قدم مهم در سرنگونی این حکومت جنایت و سرکوب است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی بار دیگر بر حمایت وسیع از کارزار برای بایکوت جهانی جمهوری اسلامی و پیوستن به آن تأکید دارد. تمامی سران این حکومت به جرم جنایاتشان باید محاکمه و تحت پیگرد قرار گیرند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران

<https://free-them-now.com/>

shahla.daneshfar2@gmail.com

۲۲ شهریور، ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۳



انتقال جعفر ابراهیمی معلم زندانی در حالت بیهوشی به بیمارستان تمامی معلمان زندانی باید آزاد شوند

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان امروز ۲۲ شهریور جعفر ابراهیمی، عضو هیئت مدیره این شورا به خاطر شرایط وخیم جسمی و تشدید بیماری در حالت بیهوشی از زندان قزل حصار به بیمارستان رجایی کرج اعزام شد. جمهوری اسلامی در قبال جان جعفر ابراهیمی و سلامتی وی مسئول است و باید جوابگو باشد. محرومیت زندانیان از درمان بخشی از سیاست سرکوب جمهوری اسلامی در زندانها و قتل خاموش زندانیان سیاسی است. سران این حکومت به خاطر تمامی جنایاتشان باید در سطح جهان به محاکمه کشیده شوند.

جعفر ابراهیمی مدتی است که به دلیل بیماری روده‌ای و دیابت در وضعیت جسمی بدی به سر می برد و در این رابطه هشدار داده شده بود که ممکن است وخیم تر شدن بیماری منجر به نابینایی وی شود. اما جانان اسلامی از اعزام وی به بیمارستان امتناع کرده‌اند و نه تنها این بلکه به جای صدور مجوز درخواستی برای بستری شدن ابراهیمی در بیمارستان، در تاریخ ۱۲ شهریور به همراه دوازده زندانی سیاسی دیگر او را از زندان اوین به بازداشتگاه قزل حصار خارج از تهران منتقل کردند. به طوری که او همراه با دیگر همبندی‌های تبعیدی خود دست به اعتصاب زده و خواستار بازگشت به زندان اوین و رفع اتهامات جدید به عنوان یک اقدام فوری شدند. "تهدید امنیت کشور" و "برهم زدن آسایش جامعه" اتهامات جدیدی است که در یک پرونده جدید علیه او وارد شده است. در رابطه با وضعیت جعفر ابراهیمی و پرونده سازی‌های جدید علیه او و تبعیدش به زندان قزل حصار اتحادیه آموزش بین الملل نیز طی بیانه‌ای این سیاست جنایت کارانه حکومت را محکوم کرده و خواستار آزادی جعفر ابراهیمی و تمامی معلمان زندانی و درمان فوری او شده بود.

جعفر ابراهیمی معلم زندانی از اردیبهشت ۱۴۰۱ در زندان است و به ۵ سال حبس محکوم شده است. او به دلیل بیماری گوارشی و دیابت جانش در خطر است. علاوه بر جعفر ابراهیمی عزیز قاسم زاده، محمود صدیقی پور، انوش عادل، مهدی فتحی، هاشم خواستار، رسول بدایعی، اصغر امیرزادگان، ناهید شهبیشه، زینب هم‌رنگ، جواد لعل محمدی و محمود ملاکی دیگر معلمان بازداشتی هستند. اسماعیل عبدی نیز یکی دیگر از معلمان زندانی است که روز ۲۱ شهریور پست از سالها زندان به مرخصی آمد. او سال ۹۵ با شش سال حکم بازداشت شده بود و در خاتمه محکومیتش ده سال حبس دیگر برای او صادر شد و زندان او ادامه یافت. یک خواست فوری معلمان در کارزار یکصد هزار امضا آزادی جعفر ابراهیمی و تمامی معلمان دریند و بسته شدن پرونده‌های امنیتی علیه آنان و تمامی زندانیان سیاسی است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FTN) وسیعاً از این کارزار حمایت می کند. جعفر ابراهیمی و تمامی معلمان زندانی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند. کمپین ضمن قدردانی از حمایت اتحادیه بین الملل معلمان و دیگر نهادهای کارگری از معلمان زندانی، کارگران دریند و زندانیان سیاسی و نیز حمایت از انقلاب زن زندگی آزادی، تقاضای گسترش این حمایتها و فشار آوردن برای بایکوت جهانی این حکومت جنایت و سرکوب و اخراج آن از تمامی نهادهای بین المللی را مورد تأکید قرار می دهد. معلمان، کارگران و مردم ایران امروز بیش از هر وقت نیاز به حمایت بین المللی مردمی دارند.

بنا بر خبرها در آستانه سالگرد انقلاب فشار بر روی زندانیان سیاسی در زندان در اشکال تبعید به زندانهای دیگر و قطع تماسها شدت گرفته است. نمونههایی از آن قطع ارتباط و تماس رضا شهبانی عضو هیئت مدیره سندیکای واحد و آرش جوهری از فعالین شناخته شده کارگری است و این در حالی است که وضعیت جسمانی آنها نیز وخیم گزارش می شود.

یک شکل مهم گرامیداشت سالگرد انقلاب در ایران سردادن هر چه رساتر شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد و فشار آوردن برای باز کردن درب زندانهاست. زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://www.free-them-now.com/>

۲۲ شهریور ۱۴۰۲، ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۳

جعفر ابراهیمی دست به اعتصاب داروزد

FREE JAFAR EBRAHIMI NOW!



<https://free-them-now.com>

جان او در خطر است

جعفر ابراهیمی، معلم زندانی در اعتراض به ضرب و شتم در زندان و عدم اعزام به پزشکی قانونی و بیمارستان، با پس فرستادن داروهای خود دست به اعتصاب دارو زده است. او در تماس کوتاهی که در روز ۲۳ شهریور با خانواده داشته و از طریق وکیلش اطلاع داده که به علت عدم همکاری زندان در اعزام به پزشکی قانونی برای ثبت آثار ضرب و شتم بر بدنش، از تحویل و استفاده از هرگونه داروی خودداری می کند. عرفان کرمویسی، وکیل جعفر ابراهیمی که روز قبلش به صورت کابینی موفق به ملاقات با این معلم زندانی در زندان قزل حصار شده بود، در توییت جداگانه ضمن تأیید آثار ضرب و شتم بر بدن و صورت وی، خبر اعتصاب داروی جعفر ابراهیمی را اعلام کرد. اکنون باتوجه به وضعیت بیماری زمینهای جعفر ابراهیمی، خطر نابینایی و حتی مرگ، در صورت عدم استفاده از دارو این معلم زندانی را تهدید می کند. جمهوری اسلامی در قبال جان جعفر ابراهیمی مسئول است و باید جوابگو باشد. باید به نجات جان جعفر ابراهیمی بشتابیم

بر اساس گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان جعفر ابراهیمی که در تاریخ ۱۲ شهریورماه همراه با ۱۲ تن دیگر از زندانیان اوین، به سیاهچاله‌ای به نام "سلول امن" در قزل حصار تبعید شده بود، در اثر وخامت شدید جسمی و بیهوشی روز ۲۱ شهریور به بهداری منتقل شده بود و طبق توضیحات داده شده به عرفان کرمویسی، پس از خروج از بهداری هنگامی که خواسته بود که تماس محدود ۳ دقیقه‌ای در اتاق افسرنگهبانی مرکزی با همسر خود بگیرد، در همان جا توسط افسر جانشین و معاونش و چند تن از کادر زندان به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و از ناحیه کتف، گردن و پیشانی زخمی شده بود.

بر اساس گزارش این شورا روز ۲۲ شهریور عرفان کرمویسی، وکیل جعفر ابراهیمی و کامیار فکور، برای ملاقات به زندان قزل حصار مراجعه کرده بود. اما پس از حدود سه ساعت معطلی به او اعلام شده بود که چون زندانیان این وکیل امنیتی هستند و جرائم سنگین دارند، ایشان نمی تواند موکل‌های خود را ملاقات بکنند. در اعتراض به این وضعیت دیگر زندانیان سیاسی (زندانین منتقل شده به قزل حصار) اعلام کردند که تا جعفر ابراهیمی و کامیار فکور نتوانند با وکیل خود عرفان کرمویسی ملاقات کنند آن‌ها هم با خانواده یا وکلای خود ملاقات نخواهند کرد و به نشانه

انقلاب زن زندگی آزادی یک انقلاب انسانی بر علیه تمام نابرابری‌های جنسیتی، اقتصادی، فرهنگی و اتنیکی است.

این تنها نتیجه مبارزات جوانان، زنان، دانشجویان و کارگران طی ۴۴ سال مبارزه علیه دیکتاتوری، فقر، فساد، اختلاس، چپاول، سرکوب، زندان، اعدام و کشتار مردم است.

رژیم در مقابل جسارت و شهامت زنان و جوانان چاره‌ای به جز سرکوب و کشتار بی‌رحمانه در مقابلش ندید، هزاران نفر را بازداشت، ۷۴ کودک و بیش از ۵۰۰ نفر از مردم را به قتل رساند. به کودکان دانش آموز با حملات شیمیایی حمله و مستقیماً به چشم جوانان ما شلیک کرد.

اما هیچ‌کدام از این حجم توحش و سرکوب نتوانست خانواده‌های دادخواه، زنان، جوانان و مردم را مرعوب و به سکوت وادار کند. امروز در آستانه سالروز قتل عمد دولتی مهسا امینی، تهدید، احضار و بازداشت خانواده‌های دادخواه، وکلا، دانشجویان، فعالین صنفی و کارگری و حتی تبعید زندانیان سیاسی، سیاست رنگ‌باخته‌ای است که با به صحنه آمدن و اعتراضات بیشتر هر روزه مردم به ضد خود تبدیل شده و جواب گرفته است.

اکنون در سالروز انقلاب بخش‌های مختلف جامعه با بیانیه‌ها و فراخوان‌هایشان از آمدن دوباره به خیابان سخن می‌گویند. تشکلاتی مانند شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی، هشت تشکل کارگری و مدافع حقوق زنان، دادخواهان، دادخواهان سیستان و بلوچستان و ال جی پی تی کیوها و تشکل‌های دیگر محلی به مناسبت سالگرد انقلاب و قتل مهسا امینی بیانیه داده و از مردم خواسته‌اند که در ۲۵ شهریور با تعطیلی کار و حضور گسترده در خیابان‌ها و با اعلام اعتصاب و تجمع بر مزار مهسا زینا امینی، شروع دوباره‌ای را در روند انقلاب خود رقم بزنند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی هم‌صدا با همه مردم ایران یاد مهسا (ژینا) امینی و تمامی جان‌باختگان راه آزادی را گرمی می‌دارد. به یاد تمام عزیزان جان‌باخته، دادخواهی‌مان را با سردادن شعار «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان» و «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» را در هر کوچه و برزن فریاد خواهیم کرد. ما از همه نهادها و سازمان‌های انسان‌دوست در سراسر جهان می‌خواهیم که در این مقطع حساس تاریخی بیش‌ازپیش همراه و حامی مردم ایران و انقلاب آنها برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی باشند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی



اعتراض جلوی بند تحصن کردند. در پی این وضعیت، در نهایت ابتدا به کامیار فکور اجازه دیدار با وکیل را دادند. جعفر ابراهیمی نیز بعد از انتظار طولانی با همراهی یک افسر حفاظت توانسته بود که با وکیل خود دیدار کابینی داشته باشد. بر اساس گفته وکیل وی آثار ضرب و شتم گردن، کتف، بدن، مچ دست و پیشانی ایشان به‌وضوح مشخص بوده است.

طبق همین گزارشات بهداری قزل‌حصار در نامه‌ای بر وخامت وضعیت جسمی جعفر ابراهیمی تأکید نموده و اعلام کرده است که از آنجایی که او در معرض ناپیانی ناشی از عوارض بیماری قرار دارد، باید هر چه سریع‌تر به پزشک متخصص اعزام شود. اما مسئولین زندان از اعزام او امتناع کرده‌اند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن گزارش این اخبار تکان‌دهنده، به مسئولین قضایی هشدار داده که آنها را مسئول مستقیم حفظ جان و امنیت زندانیان می‌داند و در برابر این تعرض به جعفر ابراهیمی، از تمام پتانسیل خود استفاده خواهد کرد. به دنبال این ماجراهاست که جعفر ابراهیمی در تماس کوتاهی از اعتصاب تحویل و استفاده از هر گونه دارویی خبر داده است.

آنچه بر سر جعفر ابراهیمی آمده نمونه بارزی از ابعاد جنایت جمهوری اسلامی در زندان‌هاست. علیه این جنایت آشکار و وحشیانه باید به پا خاست. کمپین برای آزادی کارگران زندانی در کنار شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و خانواده جعفر ابراهیمی ایستاده و با تمام قدرت تلاش می‌کند صدای اعتراض او و همه معلمان زندانی و زندانیان در بند باشد. خوشبختانه هم اکنون سازمان آموزش بین‌الملل در حمایت از جعفر ابراهیمی و معلمان زندانی کارزاری به راه انداخته است. از همه اتحادیه‌های کارگری و نهادهای انسان‌دوست در سراسر جهان انتظار می‌رود که با این کارزار اعلام حمایت کنند و با قدرت کمپین بین‌المللی خود، جعفر ابراهیمی و همه زندانیان در بند را آزاد کنیم. جعفر ابراهیم باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد و تحت درمان قرار گیرد. جمهوری اسلامی این حکومت زندان و شکنجه و اعدام باید در سطح جهان بایکوت و تحت پیگرد قرار گیرد.

۲۴ شهریور ۱۴۰۲، ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۳

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://free-them-now.com/>

بیانیه کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی سالروز انقلاب «زن، زندگی، آزادی»

در سالروز انقلاب «زن، زندگی، آزادی» شعار «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، را متحدانه و یک‌صدا در هر کوچه و برزن، فریاد کنیم!

روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ مهسا (ژینا) امینی توسط حکومتی که سال‌هاست قتل جوانان و کودکان یکی از جنایات ثبت شده در پرونده سیاهش می‌باشد، به قتل رسید. اعتراض مردم علیه این قتل عمد دولتی سریعاً به شهرهای دیگر کشیده و باعث زدن کلید شروع انقلاب بی نظیر «زن، زندگی، آزادی» شد.

این انقلاب با اسم رمز «مهسا (ژینا) امینی» سریعاً مرزهای جهان را در هم نوردید و دنیا با نام «مهسا امینی» و شعار «زن، زندگی، آزادی و ژن، ژیان، نازادی» آشنا شد.

مردم، به‌ویژه زنان و جوانان در صف اول این انقلاب با شجاعتی و صف‌ناپذیری، به خیابان آمدند. شجاعت و استقامت جوانان، تحسین جهانیان را برانگیخت و به حمایت از این انقلاب برخاستند. جهانی‌شدن این انقلاب، دولت‌های غربی را هم وادار کرد تا نتوانند آن را نادیده بگیرند و به فشارها برای نجات جان زندانیان سیاسی و تحریم‌های رژیم در سطح بین‌المللی شدت بخشیدند.



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی
ادیتور: کاظم نیکخواه
مسئول فنی: سروناز سینایی

ایمیل: kazem.nikkhah@gmail.com

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها منتشر می‌شود

فیسبوک: www.facebook.com/wpiarn

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین؛



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های؛

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com